

چگونه رکورد اسکناس بدون پشتوانه شکسته شد؟

طغیان پول

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد، از سال ۱۳۵۸ تا قبل از سال گذشته، بدترین سال از نظر رشد حجم پول، در سال ۱۳۷۵ با عدد ۳۸ درصد به ثبت رسیده، که اکنون در جایی بسیار بالاتر قرار داریم. چراکه از نظر رشد پایه پولی هم رقم ۴۵ درصد فروردین امسال، همه ارقام سال‌های ۱۳۵۸ به بعد را درنور دیده و با فاصله‌ای اندک نسبت به دوسال غیر منضبط‌ترین سال‌های عملکرد اقتصاد کشور یعنی سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۷ قرار گرفته است. از طرفی، آمارهای بانک مرکزی گویای این است که در پایان سال گذشته، بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی به صورت کاملاً غیر متعارف، بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان افزایش داشته که به معنای ۶۲/۴ درصد رشد (در مقایسه با ۱۷ درصد رشد سال ۱۴۰۰) در اسفند گذشته است. در تازه‌ترین آمار هم بدهی دولت در سال ۱۴۰۱ نسبت به شهریور ۱۴۰۰ به ۱۲۴۸ هزار میلیارد تومان اوج گرفته است. این بدان معناست هرچه شکاف بین بدهی دولت و تولید ناخالص داخلی بیشتر شود، رکود گسترده‌تر می‌شود و این فرایند موجب می‌شود تا دولت برای جبران بدهی‌های خود اقدام به خلق پول کند؛ چاپ پول بدون پشتوانه هم مساوی است با نوسان نرخ تورم.



رشد تورم تولیدکننده به مرز هشدار رسید
علائم رکود سنگین در اقتصاد

چهار سناریوی محتمل تخمین زده شد
پیش بینی تورم در پایان سال

چرا تورم مرداد ماه افزایشی شد؟
تصویر آماری از گرانی‌ها

کامران ندری اقتصاددان:
سلطه صاحبان قدرت بر نظام پولی



[illegible]

بازار پول

خط فقر

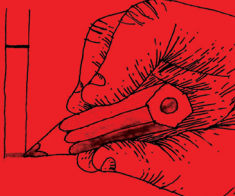
برای دیدن این مطلب به آیدی [@sharh](#) در اینستاگرام مراجعه کنید

مجموعه مقالات تخصصی و کاربردی در زمینه اقتصاد، بازرگانی و مدیریت

آیدی کانال: @sharh

کانال تخصصی در زمینه اقتصاد، بازرگانی و مدیریت

برای دیدن این مطلب به آیدی @sharh در اینستاگرام مراجعه کنید



برای دیدن این مطلب به آیدی @sharh در اینستاگرام مراجعه کنید

مجموعه مقالات تخصصی و کاربردی در زمینه اقتصاد، بازرگانی و مدیریت

[illegible][illegible][illegible]

بازار پول

فهرست مطالب

سرمقاله

چرا دولت به سراغ چاپ پول رفت؟

اعداد هشدار دهنده چاپ پول

سلطه صاحبان قدرت بر نظام پولی

تصویر آماری از گرانی‌ها

تورم کاهشی می شود؟

چهار سناریو تورمی

علائم رکود سنگین در اقتصاد

روند منفی فرود سرمایه خارجی

وقت خرید طلا رسیده است؟

دلار پس از توافق

دلیل تاخیر در تخصیص ارز به صنایع چیست؟

پیش بینی بورس در نیمه دوم

سرنخ ریزش بورس

سقوط تابستانه تولید خودرو

کارنامه تجارت خارجی با کسری



شماره نهم

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فرشته فریادرس

سردبیر: زهره پارسایی

صفحه آرایی و امور هنری: محمد سیدی

همکاران این شماره: فائزه طاهری، لیلا محمودزاده

سمیه سایش، معصومه فریادرس، زهران‌دایی

دفتر مرکزی: رسالت، خیابان هنگام، تکاوران شمالی

لایه هشتم، پلاک ۷۷، واحد ۴

تلفن: ۸۸۱۸۶۸۱۳ - ۰۹۳۸۹۸۹۳۱۴۲

چاپ: ایران کهن

بخش آگهی‌ها: ۰۹۲۲۶۳۳۸۷۳۱

برای اشتراک بازار پول با شماره

۰۹۲۲۶۳۳۸۷۳۱

تماس بگیرید

رکوردشکنی چاپ پول

چرا دولت به سراغ چاپ پول رفت؟

یکی از دلایل اصلی افزایش سرعت چاپ پول که از ابتدای سال ۱۴۰۲ هم شدت بیشتری گرفته، «کسری بودجه دولت» است که برای تامین آن ناچار به چاپ پول شده. هم‌اکنون این مورد تنها ابزاری است که برای دولت برای تامین کسری بودجه‌اش باقی مانده است. دولت برای رفع کسری بودجه به طور عمده از بانک‌ها قرض کرده چون دولت دیگر نمی‌تواند به دلیل تورم به مردم اوراق قرضه بفروشد. در طول یک سال گذشته شاهد آن بودیم که دولت برای آنکه نشان دهد استقراض کمتری از بانک مرکزی داشته به صورت غیرمستقیم و از بانک‌ها استقراض کرده است و بانک‌ها هم کمبود ذخایرشان را از بانک مرکزی تامین کرده‌اند که نتیجه این رویه منجر به افزایش بدهی دولت و چاپ بیشتر پول می‌شود. شواهد نشان می‌دهد که دولت در این مدت نتوانسته کسری مالی خود را از طریق اوراق قرضه و یا اوراق بدهی و خارج از کشور تامین کند و ناچار به چاپ بیشتر پول و در نتیجه افزایش تورم شده است



سید مرتضی افقه
اقتصاددان



البته این اقدام دولت برخلاف شعارهایی است که پیش از انتخابات و یا در طول دو سال گذشته می داد.

دولت سیزدهم همواره بر این موضوع تاکید داشته که برای استقراض به بانک مرکزی مراجعه نخواهد کرد و پایه پولی را هم افزایش نخواهد داد، اما امروز که در شهریور ماه ۱۴۰۲ قرار داریم می بینیم که نه پایه پولی کمتر شده و نه تورم افتی داشته است. در صورتی که دولت چاپ پول را افزایش دهد نتیجه ای جز رشد نرخ تورم و تداوم آن ندارد و متأسفانه نرخ تورم ۴۰ درصدی این روزها به قدری عادی سازی شده که به نظر می رسد دولت هم این موضوع را پذیرفته که این رقم باید باشد. این در حالی است که این میزان تورم برای کشورهای دیگر بسیار غیرعادی است، اما به اندازه ای در سال های اخیر تورم ۴۰ درصدی و بالاتر تکرار شده و تداوم داشته که به راحتی مسوولان از کنار آن رد می شوند.

تداوم تورم افت ارزش پول ملی و بی ثباتی قیمت ها را به دنبال دارد و سرمایه گذاران داخلی را هم برای سرمایه گذاری در کشور بی رغبت می کند و روند خروج سرمایه و فرار سرمایه را هم بیشتر خواهد کرد و در نتیجه اقتصاد را در دور باطل رشد تورم، کسری بودجه و خروج سرمایه از کشور قرار می دهد. دولت ها تا درآمد نفتی نداشته باشند نمی توانند این بدهی ها را پرداخت کنند و روش دیگری برای این کار نیست. یکی از تبعات عمده این بدهی تورم است؛ این بدهی بدین معنی است که مردم از طریق تورم این هزینه را پرداخت می کنند. وقتی که دولت کسری داشته باشد اگر می توانست از طریق انتشار اوراق قرضه بدهی را تامین کند، تورم کمتری ایجاد می شد. ولی چون عملاً دولت از بانک قرض می گیرد و نقدینگی بدون افزایش تولید افزایش می یابد تبدیل به تورم می شود. بنابراین دولت ها یا باید موانع تولید داخلی را کم کنند و موارد بازدارنده را بردارند تا تولید ملی افزایش پیدا کند و درآمدهای کشور عادی شود تا بتوانند از طریق اخذ مالیات تامین درآمد کنند و یا اینکه در بخش تجارت خارجی فعال تر شوند تا بتوانند نفت را بفروشند تا بودجه دولت را تامین کنند، اما به دلیل آنکه دولت تاکنون نتوانسته مشکلات تحریمی را حل کند و موانع تولید هم کم نشده است به ناچار کسری بودجه هم تداوم پیدا کرده است. در صورتی که در کوتاه مدت تحریم ها رفع نشوند این روند در خصوص چاپ پول و افزایش تورم ادامه خواهد یافت و در میان مدت و بلندمدت هم اگر موانع ساختاری برای



تولیدات داخلی برطرف نشود و تولید داخل افزایش نیابد این روند در سال های آتی باز هم ادامه دار خواهد بود. بهترین روش برای تامین کسری بودجه دولت استقراض از مردم است، اما با سودی که دولت برای اوراق قرضه در نظر گرفته است آن هم در شرایطی که تورم کشور به ۴۶ درصد رسیده و سود این اوراق حدود ۲۰ درصد باقی مانده است مسلماً مردم هم از این اوراق برای خرید استقبال نخواهند کرد ضمن آنکه روابط خارجی هم تا امروز بهبودی پیدا نکرده، بنابراین در کوتاه مدت برای این مساله هیچ راه حلی وجود ندارد مگر آنکه تحریم ها را بردارند و باید گفت تنها راه حل این مساله سیاسی است و نه اقتصادی.

بدهکار بزرگ بانک مرکزی کیست؟

اعداد هشداردهنده چاپ پول

بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی در سال ۱۴۰۱ نسبت به شهریور ۱۴۰۰ رشدی ۶۱ درصدی را تجربه کرده است. بازوی پژوهش‌های مجلس با اعلام این آمار عنوان کرده که بدهی‌های دولت در بازه زمانی یادشده بارشد ۳۰ درصدی به ۱۲۴۸ هزار میلیارد تومان اوج گرفته است. نکته جالب توجه در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس اینکه آمارها نشان می‌دهد نسبت بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی در انتهای پاییز سال گذشته به ۳۰.۶ درصد رسیده است. اقتصاددانان می‌گویند هر چه شکاف بین بدهی دولت و تولید ناخالص داخلی بیشتر شود، «رکود» گسترده‌تر می‌شود. این فرآیند موجب می‌شود تا دولت برای جبران بدهی‌های خود اقدام به چاپ پول کند؛ چاپ پول بدون پشتوانه هم مساوی است با نوسان نرخ تورم.



تصویر آماری از بدهی دولت

در میانه شهریور ماه، بازوی پژوهشی مجلس در گزارشی از رشد ۶۱ درصدی بدهی های دولت و شرکت های دولتی در سال ۱۴۰۱ نسبت به شهریور ۱۴۰۰ خبر داد. بدهی های دولت در بازه زمانی یاد شده به ۱۲۴۸ هزار میلیارد تومان اوج گرفته است. این عدد، افزایش رشد ۳۰ درصدی را نشان می دهد. همچنین بدهی های شرکت های دولتی تا تاریخ ۳۱ شهریور ۱۴۰۰ معادل ۹۸۹ هزار میلیارد تومان بوده که در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۴۰۱ به ۱۸۹۱ هزار میلیارد تومان رسیده و رشدی معادل ۹۱ درصد داشته. در نهایت مجموع بدهی های دولت و شرکت های دولتی تا پایان سال ۱۴۰۱ به ۳۱۳۸ هزار میلیارد تومان رسیده که رشد ۶۱ درصدی رانست به بدهی دولت در پایان شهریور ۱۴۰۰ که معادل با ۱۹۵۱ میلیارد تومان بوده نشان می دهد. در گزارش ذکر شده، این رشد ۶۱ درصدی در مدت زمان مشابه نسبت به رشد بدهی های اوراقی (حدود ۴۲ درصد) بیشتر است. در همین گزارش آخرین وضعیت مطالبات دولت و شرکت های دولتی را با رشد به ترتیب ۳۹ و ۴۵ درصدی نشان می دهد. سهم عمده مطالبات قابل توجه شرکت های دولتی مربوط به مطالبات شرکت ملی نفت ایران از شرکت های پالایشی و پتروشیمی داخلی و اشخاص حقوقی و حقیقی خارجی است. همچنین در این گزارش آمده است: حدود ۳۷ درصد از بدهی های دولتی سیال است؛ به این معنی که ۳۷ درصد بدهی های دولت در قالب اوراق مالی بوده و مبادله پذیر است. سیال سازی بدهی های دولت به افزایش تعهد دولت در قبال بدهی ها و شفافیت و مبادله پذیری آن می انجامد. بدهی های سیال به دلیل آنکه قابل مبادله هستند، محدودیت های مالی و نقدینگی کمتری برای طلبکاران ایجاد می کند و بنابراین آثار سوء اقتصادی کمتری به همراه دارد.

طبق آمارها خالص انتشار اوراق دولتی در سال ۱۴۰۲ از خالص انتشار در سال های گذشته عدد کمتری و معادل خالص ۹۶ هزار میلیارد تومان نشان می دهد. همین رقم برای سال ۱۴۰۱ معادل خالص ۸۹۰۱ هزار میلیارد تومان را نشان می دهد. اما باید توجه کرد که در سال های گذشته رقم مصوب سقف انتشار اوراق به مراتب پایین تر از رقم تحقق یافته بود. بنابراین ممکن است همانند سال ۱۴۰۱ در نهایت انتشار اوراق بسیار بیشتر از ۱۸۷ هزار میلیارد تومان باشد و خالص انتشار اوراق افزایش یابد. افزایش ۶۱ درصدی بدهی های دولت رئیسی به معنی نقدینگی بیشتر، تورم بیشتر و در نهایت پوچ بودن شعار مهار تورم است که نشانه بارز آن افزایش تورم ماهانه از ابتدای هر ماه امسال است

نکته جالب توجه در گزارش مرکز پژوهش های مجلس اینکه آمارها نشان می دهد نسبت بدهی های دولت و شرکت های دولتی به تولید ناخالص داخلی در انتهای پاییز سال گذشته به ۳۰۶ درصد رسیده است. این بدان معناست که هر چه شکاف بین بدهی دولت و تولید ناخالص داخلی بیشتر شود، رکود گسترده تر می شود. این فرایند موجب می شود تا دولت برای جبران بدهی های خود اقدام به چاپ پول کند و بقیه اش را هم می داند: چاپ پول بدون پشتوانه مساوی است با نوسان نرخ تورم.

اعداد هشدار دهنده

موج جدید توجیه شرایط اقتصادی ایران با ادعای تامین کسری بودجه ۴۸۰ هزار میلیارد تومانی بدون «چاپ پول» یا «استقراض از بانک مرکزی» وارد فاز جدیدی شده است. با ما این «عدد و رقم» نشان دهنده چیست؟ و چگونه می توان ادعای تامین کسری بودجه بدون چاپ پول را باور کرد؟ در ادامه برای پاسخ به این پرسشها و درک بهتر موضوع به چند رقم هشدار دهنده اشاره خواهیم داشت.

بدهی شرکت های دولتی

شرکت های دولتی که عمدتاً زیان ده و حتی در مواردی ورشکسته هستند و پولی در بساط ندارند که به دولت قرض دهند. اما به نظر می رسد، استقراض از منابع مازاد شرکت های دولتی برای جبران کسری بودجه روشی است که تیم اقتصادی دولت در پیش گرفته و بارها هم به این موضوع پرداخته شده. گزارشی که مرکز پژوهش های مجلس منتشر کرده نشان می دهد که بدهی شرکت های دولتی با رشدی ۹۰ درصدی به ۱۸۹۱ هزار میلیارد تومان رسیده است. دلیل افزایش بدهی شرکت های دولتی به بانکها به خصوص در این یک سالی که تیم اقتصادی دولت و البته رسانه های همسو، به صورت دسته جمعی معتقدند که استقراضی صورت نگرفته این است که شرکت های دولتی به عنوان یک «ضربه گیر» بین دولت و شبکه بانکی عمل کرده اند. شرکت ها پول (اعتبار) را از بانکها قرض گرفته و در ردیف «بدهی» در صورت های مالی خود گنجانده اند و دوباره دولت سراغشان آمده و از آن ها «قرض» گرفته است و در صورت های مالی دولت در ردیف «بدهی» قرار گرفته است!

بدهی بانکها

گزارش بانک مرکزی که در تیرماه امسال منتشر شد نشان می دهد که بدهی بانک های تخصصی به بانک مرکزی طی یک سال گذشته به ۵۱۴

نقدینگی است نیز به ۲۶ درصد رسیده که بیشترین میزان تاریخی خود را نشان می‌دهد. این در حالی است که رشد نقدینگی در اسفند ماه سال گذشته حدود ۳۰ درصد گزارش شده بود و این مساله نشان‌دهنده افزایش سرعت خلق پول نسبت به سال گذشته است.

برداشت از صندوق توسعه ملی

میانگین برداشت از منابع صندوق توسعه ملی در دولت دهم (دولت دوم احمدی‌نژاد) ماهانه ۴۵۳ میلیون دلار، در هشت‌ساله دو دولت روحانی ماهانه نزدیک به ۷۰۰ میلیون دلار و در دولت سیزدهم (یک سال و نیم) ۱۲۰۱ میلیارد دلار در ماه بوده است. این آماري است که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس ارایه شده و در همین صفحه در «اعتماد» به آن پرداختیم. باید توجه داشت که تبدیل ارزهای نفتی به ریال خود نیازمند عملیات اعتباری بالا بردن پایه پولی است.

نقدینگی

از سوی دیگر، گزارش شهر یورماه بانک مرکزی نشان می‌دهد، نقدینگی در پایان مرداد ماه به مرز ۷۰۰۰ هزار میلیارد تومان نزدیک شده است. البته جزییات این آمار ارایه نشده و صرفاً دو نمودار در این باره منتشر شده است. بانک مرکزی مدعی شده رشد نقدینگی طی پنج‌ماهه نخست امسال به میزان قابل توجهی کمتر از رشد نقدینگی هدف‌گذاری شده برای این مدت بوده است. در واقع بانک مرکزی می‌گوید رشد نقدینگی که مرداد پار سال در عدد ۳۷۸ درصد بوده را حالا در مرداد امسال به حدود ۲۷ درصد رسانده است. بانک مرکزی مدعی شده که این کار را با «اجرای سیاست کنترل مقداری رشد ترازنامه بانک‌ها و کنترل رشد خلق پول بانک‌ها» انجام داده است. آنچه از این گزارش برداشت می‌شود این است که ظاهراً روی روی کاغذ رشد نقدینگی کنترل شده اما «رکود» سنگینی بر اقتصاد ایران حاکم شده است. این کار هم برای پایین آوردن تورم بسیار بالای ایران ضروری است. اما همین عددها باز هم نکته منفی دیگری را نشان می‌دهند. حجم نقدینگی در مرداد ماه نسبت به تیر ماه سال جاری ۱۶۱ هزار میلیارد تومان بالاتر رفته است. عددی که بالاترین میزان رشد ماهانه نقدینگی در طول یک سال بوده است! آمار ناقص بانک مرکزی نشان از این دارد که «سهم پول از نقدینگی» کاهش پیدا کرده و در مرداد ماه امسال نسبت به سال گذشته به ۲۵۰۱ درصد رسیده که ۶ درصد کمتر شده است. اما باید توجه داشت که همین عددی هم که اعلام شده، ۲۰۶ درصد بیشتر از عددی است که در مرداد دو سال پیش وجود داشت!

هزار میلیارد تومان رسیده. این عدد ۱۰۷ درصد نسبت سال گذشته بیشتر است. چرا این اتفاق افتاده؟ خیلی ساده است: شرکت‌های دولتی برای ایجاد بدهی چاره‌ای جز روی آوردن به نظام پولی ندارند. آن‌ها به سراغ بانک‌ها رفته‌اند که همین الان تحت فشار وام‌های تکلیفی هستند. بانک‌ها هم خود را بدهکار بانک مرکزی کرده‌اند. در نهایت این فرایند تبدیل به رشد چاپ پول می‌شود که البته آمار تازه‌ای در دسترس نیست، اما آمار آخری که اعلام شده از رکوردزنی در این شاخص خبر می‌دهد.

رشد پایه پولی

در ادوار دولت‌ها، دولت دوم احمدی‌نژاد رکورددار رشد خلق پول است. اما دولت سیزدهم عدد تازه‌ای ثبت کرده که در ۱۵ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. بانک مرکزی در آمار مستقلی تایید کرده که رشد نقطه به نقطه پایه پولی در ماه اول امسال، نسبت به سال گذشته به ۴۵ درصد رسیده. عددی که بیشترین میزان این شاخص در تمام ادوار است. این اتفاق در حالی رخ داده که در این ماه مانده بدهی دولت به بانک مرکزی ۶۵ هزار میلیارد تومان افزایش داشته که از عوامل اصلی رشد پایه پولی اعلام شده است. در کنار این موارد، نسبت پول به نقدینگی که نشان‌دهنده میزان سیالیت





کامران ندیری
مدیر گروه بانکداری
اسلامی پژوهشکده
پولی و بانکی

بخشی از تورم مزمن در اقتصاد کشور، به نحوه اداره اقتصاد و نهادهای مالی در اقتصاد برمی گردد و یک مشکل ساختاری است. به طور نمونه در بودجه ریزی بخش عمومی همیشه با این مشکل مواجه هستیم که دولت‌ها می‌خواهند هزینه‌های زیادی را در اقتصاد انجام دهند و برای این کار، با توجه به وعده‌هایی که برای جلب نظر مردم داده بودند، تمایل آنها به سمت هزینه‌های عمرانی و رفاهی است. در کنار این موارد، مباحث رفاهی مثل پوشش بیمه درمانی و تامین اجتماعی نیز همواره مطرح بوده است. در مجموع این موارد سبب شده بودند که هزینه‌های دولت از درآمدهای آن خیلی بیشتر شود. همچنین در راستای اقدامات رفاهی خیلی از دولت‌ها تصمیم گرفتند که کالاهای پایه و اساسی مردم را تا حد امکان در سطوح قیمتی پایین نگه دارند و برای این فرآیند که کالاها

ارزان به دست مردم برسد، یارانه‌های سنگینی را متحمل دولت کردند که اصطلاحاً به «یارانه‌های پنهان» معروف هستند. یارانه‌های پنهان یکی از عوامل ایجاد و تشدید شکاف میان هزینه و درآمد دولت است. به قدری میل دولت‌ها به انجام این هزینه‌ها بالا بوده که حتی درآمدهای نفتی هم کفاف پوشش این شکاف را نمی‌دادند. بنابراین دولت‌ها متوسل به منابع پولی می‌شدند و ساختار اقتصادی نیز به گونه‌ای بود که این امکان را به دولت می‌داد تا از طریق فرآیند خلق پول (seigniorag) تامین مالی خود را انجام دهد.

از طرفی بانک مرکزی ماستقل نبوده و در طول این مدت همواره با دولت همراهی می‌کرده و در کنار نظام بانکی متشکل از تعداد زیادی بانک دولتی، ساختار اقتصادی‌ای را شکل داده بودند که زمینه را برای تامین مالی از طریق خلق پول ممکن می‌ساخت. نکته جالب این فرآیند این است که این موارد در بودجه عمومی دولت مشخص نمی‌شده و اصطلاحاً تحت

سلطه صاحبان قدرت بر نظام پولی



پولی رفع می‌شوند و می‌توان گفت در مجموع، این عوامل به عنوان عوامل داخلی، تورم مزمن اقتصاد ما را به وجود آوردند. از سویی، چون شاکله اقتصاد ما در این ۴ دهه به این صورت بنا شده که هر جا که درماندگی در تامین هزینه‌ها وجود داشت، میتوان به سراغ منابع پولی رفت، این تورم مزمن ماندگار شده و به احتمال زیاد قرار نیست به‌زودی پایان پیدا کند؛ به عبارتی راه حل زودبازدهی در این زمینه وجود ندارد. علاوه بر اینها، عوامل خارجی نیز دخیلند. عوامل خارجی بر این ساختار ضعیف اقتصادی سوار شده و اثرات زیان‌باری را برای اقتصاد ایران رقم زدند. اما اگر این مشکلات ساختاری وجود نداشت، تحریم‌ها نمی‌توانستند این حد از فشار و سختی را که در چند سال گذشته تجربه کردیم، رقم بزنند. به عبارت دیگر تحریم‌ها که یک شوک تورمی هم دارد و باعث افزایش هزینه‌های تولید و جهش نرخ ارز می‌شود، نمی‌توانست این مقدار تورم را به وجود بیاورد که ما برای چند سال مداوم تورمی بالای ۳۰ درصد را تجربه کنیم.

حکمرانی بد در اقتصاد

بنابراین نقش اصلی این تورم مزمن در اقتصاد ما را، مشکلات داخلی که ریشه در حکمرانی دارد، بازی می‌کند. حکمرانی فعلی ما هم حاصل تجربیات جهانی نیست، در واقع نوعی از حکمرانی بوده که بعد از انقلاب، با سعی و خطا در کشور ما شکل گرفته و چون در همه زمینه‌ها نیز ریشه دوانده، حل کردن و اصلاح کردن آن به‌شدت سخت و طاقت‌فرسا خواهد بود. البته در بعضی از مقاطع شوک‌های دیگری هم به اقتصاد وارد شده که در نهایت این نتایج برای کشور رقم خورده است.

مأموریت بانک‌های مرکزی مشخص است و در همه‌جای دنیا اصلی‌ترین مأموریتی که برای بانک مرکزی تعریف می‌کنند در وهله اول کنترل و مهار تورم است، در وهله دوم تضمین سلامت بانک‌هاست و در وهله سوم کمک به رشد اقتصادی است که اولویت بندی شدند؛ اما تضاد منافع و تعارضاتی که اصلاحات بنیادی سیاسی در نظام بانکی ما با منافع گروه‌های صاحب قدرت در کشور وجود دارد مانع شده که از یک نظام بانکی کارآمد و سالم برخوردار باشیم. نظام سیاسی ما مشکل دارد و مشکلاتش هم پیچیده است و از تریبون‌های مختلف نسبت به این مساله هشدار داده شده است؛ ما در نظام سیاسی کشور به بن بست خوردیم؛ که به همین راحتی نمی‌توانیم از آن عبور کنیم و دولت‌ها هم تن به استقلال بانک مرکزی نمی‌دهند. اما دلیل این که دولت‌ها به استقلال بانک مرکزی تن نمی‌دهند این است که به قدرت بانک مرکزی و نظام بانکی که خلق پول است نیاز دارند؛ یعنی اگر فرایند خلق پول، فرایند وام‌دهی، اعطای تسهیلات و ایجاد اعتبار که خیلی مهم است از دولت‌ها گرفته شود دولت‌ها با مشکل مواجه می‌شوند و بسیار

عملیات فرابودجه‌ای قرار می‌گرفت و دولت‌ها با خیال راحت به خلق پول می‌پرداختند. خلق پول در مقطعی مثل زمان تحریم‌ها که درآمد نفتی دولت نیز کاهش پیدا می‌کرد، شدت می‌گرفت. بنابراین در چهار دهه گذشته با توجه به میل شدید سیاستمداران به انجام این نوع از هزینه‌ها، بخش مهمی از تامین مالی آنها پولی شده (Monetize) و از طریق خلق پول انجام می‌شود. نکته تلخ این اتفاق، نهادینه شدن آن است که در واقع تبدیل به یک عادت شده و هر سال در حال تکرار شدن است، یعنی پیوسته شرایط را وخیم‌تر می‌کند. این نوع اداره کردن کشور در همه دولت‌ها وجود داشته است و به نوعی به ارث رسیده است؛ مجلس نیز با دولت‌ها همکاری کرده و این مسائل را با «تبصره‌های تکلیفی» قانونی‌سازی می‌کرد تا حتی اصلاح‌اشتباهات آن نیز هزینه بسیاری زیادی داشته باشد. در مجموع خیلی از هزینه‌هایی که دولت می‌خواهد آن را انجام دهد از طریق منابع بانکی و از طریق خلق پول تامین می‌شده است و همین مورد باعث می‌شود که در اقتصاد ما رشد نقدینگی بسیار بالا باشد.

عوامل تورم مزمن در اقتصاد

بنابراین اولین عامل این تورم مزمن به هزینه‌های بخش عمومی برمی‌گردد که همواره از درآمدهای مالیاتی و نفتی ما بیشتر است؛ همچنین به دلیل عدم استقلال بانک مرکزی و وجود بانک‌های دولتی زیاد، این امکان برای دولت فراهم بوده که با استفاده از منابع پولی، کسری بودجه خود را تامین کرده و این نتیجه را در نهایت برای کشور رقم بزند. عامل دوم این تورم مزمن، نحوه مدیریت نهادهای مالی به‌ویژه بانک‌هاست. غالب مدیران بانکی توانایی‌های لازم برای اداره کردن بانک‌ها و صلاحیت این امر خطیر را نداشتند و با تصمیمات اشتباه، سلامت شبکه بانکی و اقتصاد را دچار مشکل کردند. در کنار این مشکل که به ساحت فردی و شخصی برمی‌گردد، ساختار مالکیتی اغلب بانک‌های ما که یا دولتی هستند یا به صورت غیرمستقیم با دولت در ارتباط هستند، نیز باعث مشکلات جبران‌ناپذیری در شبکه بانکی شده است. ناترازی‌های عمیقی که در ترازنامه‌های بانکی قابل مشاهده است، هم در ورود و خروج نقدینگی و هم در صورت‌های درآمدی و هزینه‌های آنها مشهود است اما عمده مشکلات بانک‌ها در تعهدات آنها به سپرده‌گذاران است. از طرفی به دلایل سیاسی و ارتباط دولت با بانک‌ها اجازه اعلام ورشکستگی به بانک‌های ورشکسته شده داده نمی‌شود و از طرفی ضعف‌های مدیریتی بسیاری بانک‌ها را در وضعیت نامناسبی قرار داده که انجام تعهدات برای آنها با مشکل مواجه است. در این زمان دولت و بانک مرکزی از طریق پول پر قدرت به کمک بانک‌ها می‌آیند و آثار آن به جامعه بازمی‌گردد. در نهایت این مشکلات ساختاری برای اقتصاد ما از طریق منابع



سخت است که دولتی فقط بخواهد با اتکا به منابع مالیاتی خود را اداره کند و دولت ما نمی‌تواند و با توجه به ساختارهایی که تعریف کردیم این توانایی را ندارد که بخواهد فقط با اتکا به منابع مالیاتی خود را اداره کند و حتی مالیات هم نمی‌تواند درست بگیرد و مالیات‌هایی که در کشورمان گرفته می‌شود مالیات‌های ناعادلانه‌ای است؛ یعنی از کسانی که درآمدهای خیلی بالا دارند به طور نسبی مالیات کمتری گرفته می‌شود؛ نسبت به کسانی که درآمدهای پایین‌تری دارند؛ یعنی یک نظام مالیاتی ناعادلانه و ناکارآمد در اقتصاد ما وجود دارد. الان بین گروه‌هایی که صاحب قدرت هستند و عامه مردم تعارض منافع وجود دارد؛ یعنی منافع اقتصادی گروه‌هایی که در کشور صاحب قدرتند با منافع عموم مردم در تعارض و تضاد است و کسانی که کشور را اداره می‌کنند نمی‌توانند این تعارض و تضادها را برطرف سازند و بیشتر تحت تأثیر گروه‌های صاحب قدرت هستند و برخوردشان با عامه مردم فقط برخوردی از نوع سرکوب و خاموش کردن اعتراضات است و به این شکل جلو می‌روند به جای این که بخواهند مسائل و مشکلات کشور را حل کنند و این باعث می‌شود وضعیت عامه مردم بدتر شود و از لحاظ اقتصادی یک شکاف بسیار بزرگی در اقتصاد به وجود می‌آید که گروه اقلیت با درآمدهای بسیار بالا و کلان و قدرت خیلی زیاد در مقابل اکثریت مردم با درآمدهای پایین و رفاه حداقل.

نتیجه انحراف نظام پولی از مسیر درست

در مجموع باید اذعان کرد که دولتمردان و در مجموع نمایندگان حاکمیت به دنبال آن هستند که بر نظام پولی کشور سلطه سیاسی داشته باشند تا بتوانند آن دسته از منابع پولی را که در کشور خلق می‌شود در مسیر اهداف سیاسی خود هدایت کنند. و نتیجه این رویکرد هم همان خواهد شد که تاکنون شاهد آن بوده‌ایم. اگر بانک‌های مرکزی از مسیر درست خود منحرف شوند، نتیجه به سمت وسوی تورم افسار گسیخته می‌رود. نتیجه می‌شود کشوری که تورم‌های سنگین را از سر می‌گذرانند. متأسفانه در طرح جدید مانند گذشته ما شاهد حفظ سلطه حاکمیت در بانک مرکزی هستیم و می‌بینیم که همچنان استقلال لازم برای بانک مرکزی فراهم نشده است. اگر همین روندی که تاکنون با آن روبه‌رو بودیم بخواهد ادامه پیدا کند که هیچ نشانه‌ای از تغییر مسیر در کشور نمی‌بینیم و در حوزه سیاست و در حوزه اقتصاد تغییر بنیادی و اساسی رخ نداده است. دولت یا مجلس اقداماتی در همین چارچوب فشل و ساختار ضعیف دارند انجام می‌دهند که اثر بخشی آن خیلی محدود است. اگر این ساختار را تغییر دهند یک باره پتانسیل و انرژی بسیار زیادی در کشور آزاد می‌شود ولی به خاطر این که روساختارها در راستای منافع گروه‌های صاحب قدرت است و در تعارض با منافع عامه

مردم است، گروه‌های صاحب قدرت از این منافع اقتصادی هنگفت که در ساختار سیاسی کنونی بهره‌مندند را نمی‌خواهند از دست دهند. بنابراین تن به اصلاحات ساختاری نمی‌دهند و روی موضعی که دارند اصرار می‌کنند و این روند چشم‌انداز مثبتی را برای کشور و اقتصاد به وجود نمی‌آورد. نتیجه چنین نگاهی، باعث می‌شود، به مرور کشور ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود و وضع عامه مردم بدتر می‌شود و شکاف طبقاتی گسترش پیدا می‌کند و یک گروه مرفه ثروتمند در مقابل یک اکثریت کم‌درآمد با بهره‌مندی پایین از مواهب اقتصاد در کشور به وجود می‌آید که دولت به این گروه فشارهای اجتماعی وارد می‌کند و اینها به مرور سطح نارضایتی‌ها در اقتصاد را بالا می‌برد. اما این که کشور در آینده دچار چه سرنوشتی خواهد بود را نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم؛ اما از نظر اقتصادی می‌توانیم بگوییم روز به روز وضع عده بسیار زیادی از مردم بدتر خواهد شد و وضع اقلیت ثروتمند نسبت به اکثریت عامه مردم ممکن است در چنین شرایطی بهتر شود و این یک تقابل ایجاد می‌کند و از لحاظ اقتصادی وقتی جامعه دوباره شود؛ یک اقلیت بهره‌مند از همه چیز و یک اکثریت کم‌درآمد و تحت فشار، در آینده تبعات اجتماعی هم خواهد داشت؛ این که چه اتفاقی می‌افتد نمی‌دانم؛ اما از نظر اقتصادی فاصله بین افراد غنی و ثروتمند با افراد کم‌بهره افزایش پیدا می‌کند.

چرا تورم مرداد ماه افزایشی شد؟

تصویر آماری از گرانی‌ها

بخش بزرگی از تورم ماهانه در مرداد ماه را باید در تورم بخش مسکن و اجاره‌بها جست‌وجو کرد. با اینکه سبد کالایی مسکن، اجاره‌بها، آب و برق و گاز و خدمات واحد مسکونی طی یک ماه تورم ۳.۳ درصدی نسبت به تیر ماه سال جاری داشته است؛ اما ۱۰۳ واحد درصد از تورم ۲۰۴ درصدی مرداد ماه متأثر از مسکن بوده است. جزییات شاخص تورم در مرداد ماه که از سوی مرکز آمار منتشر شده، تصویری دقیق‌تر از فضای گرانی‌ها در کشور را ارائه می‌کند. پیش از این، یک خبرگزاری نزدیک به دولت، مشخص نیست چرا و با چه ساز و کاری، آمار غیر رسمی تورم را اعلام کرده بود. حالا با انتشار شاخص بهای کالا و خدمات در مرداد ماه توسط مرکز آمار، به نوعی آمارهای غیر رسمی تأیید شده، امانکات جالب توجهی نیز دیده می‌شود. در آمار اعلام شده، تورم (شتاب افزایش قیمت‌ها) گوشت قرمز و حتی گوشت سفید در مقیاس ماهانه یک رکورد را جابه‌جا کرده و با رسیدن به عدد ۷۸ درصد به بالاترین سطح از اردیبهشت ماه امسال رسیده است. نرخ تورم سالانه این سبد کالایی نیز به حدود ۹۵ درصد رسیده است. به عبارت دیگر، در مرداد ماه امسال، خانوارهای کشور به طور میانگین، ۹۴۰۷ درصد بیشتر از مرداد ماه ۱۴۰۱ برای خرید گوشت



قرمز و گوشت ماکیان هزینه کرده‌اند. ۰.۶۸ درصد از تورم ۲.۴ درصدی مرداد را «گوشت» ایجاد کرده است. این در حالی است که تنها ۰.۴۷ واحد درصد از تورم ۲ درصدی تیر متأثر از این کالا بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد افزایش قیمت گوشت در مرداد به قدری بوده که سهم این کالا در تورم ماهانه مرداد را افزایش داده است. همچنین تورم لبنیات و تخم مرغ در مرداد ماه حدود ۳.۳ درصد افزایش یافت که باز هم بالاتر از تورم ماهانه کل (۲.۴ درصد) و حتی تورم ماهانه مواد غذایی (۳.۳ درصد) است. این شاخص نشان‌دهنده آن است که در مرداد ماه امسال، خانوارهای کشور به طور میانگین، ۳.۳ درصد بیشتر از تیر ماه ۱۴۰۲ برای خرید لبنیات و تخم مرغ هزینه کرده‌اند. اتفاق مشابهی در خصوص «نان و غلات» دیده شده است؛ به طوری که سهم نان و غلات از تورم ۲ درصدی تیر تنها ۰.۰۴ واحد درصد بوده اما در مرداد امسال این سهم به ۰.۰۷ درصد رسیده است. به نظر می‌رسد افزایش قیمت نان در برخی استان‌ها مسبب این رخداد باشد. روند قیمت مواد خورکی از سال ۹۶ در یک منحنی صعودی قرار گرفته و قیمت آن‌ها تا حدود زیادی همپای نرخ ارز و حتی فراتر از آن افزایش یافته و تلاش دولت‌های مختلف برای مهار تورم این اقلام، موفقیت چندانی نداشته است. هر چند در سال گذشته، شوک شدیدی تحت کلیدواژه «جراحی اقتصادی» نیز به قیمت اقلام غذایی وارد و موجب شد تا تورم ماهانه در تیر ماه ۱۴۰۱ حتی تابش از ۱۰ درصد رشد کند. البته با گذشت یک سال، اثر شوک درمانی ایجاد شده تا حدودی از بازار مواد خوراکی تخلیه شده، اما با آمار تازه از نرخ تورم مشخص می‌شود که گوشت قرمز و سفید، در ماه میانی تابستان ۱۴۰۲ با شوک‌های قیمتی شدیدی روبه‌رو بوده‌اند که تقریباً نزدیک به عدد تورم ماهانه مرداد ۱۴۰۱، تورم این سبد کالایی در یک ماه رشد کرده است.

چرا تورم اقلام پروتئینی رکورد زد؟

۱۰ سال پیش متوسط قیمت دام زنده به حدود ۱۰ هزار و ۴۰ تومان به ازای هر کیلو می‌رسید. در سال ۱۴۰۲ این عدد به ۱۴۷ هزار تومان رسید؛ اما در عرض چهار ماه بیش از ۱.۲ برابر و در عرض ۱۰ سال بیش از ۱۴ برابر شده است. افزایش قیمت دام اثر خود را روی قیمت گوشت قرار می‌دهد. قیمت دام زنده در ایران به ۳.۸ دلار می‌رسد. قیمت گوشت هم به طور متوسط به هفت دلار می‌رسد. در نتیجه، قیمت گوشت و دام در ایران به دلایلی چون خشکسالی و مساله تامین غذا در ذات خود تورمی است اما با توجه به اینکه قیمت خوراک دام با ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی قیمت‌گذاری می‌شود، انتظار اینکه قیمت دام و متعاقب آن قیمت گوشت تا این میزان بالا برود، وجود ندارد. نیاز به واردات ۱۰ میلیارد دلار نهاده دامی و قیمت‌گذاری آن با نرخ دلار آزاد به جای عرضه با نرخ تسعیر ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، کسری

دام در سطح شهرستان‌ها، هزینه‌های ذبح و کشتار، هزینه‌های اجاره غرفه عرضه گوشت از شهرداری‌ها و مغازه‌های سطح شهر، خشکسالی و کمبود علوفه برای مرتع‌چرانی از جمله مهم‌ترین دلایل افزایش قیمت دام است. اما کسری عرضه را می‌توان مهم‌ترین دلیل دانست. براساس اعلام شورای تامین‌کنندگان دام، در هر فصل کسری ۵۰۰ تن گوشت گوسفندی و ۲۰ هزار تن گوشت گوساله وجود دارد.

چه کالایی تورم ماهانه را بالا برد؟

بخش بزرگی از تورم ماهانه در مرداد ماه را باید در تورم بخش مسکن و اجاره‌بها جست‌وجو کرد. با اینکه سبد کالایی مسکن، اجاره‌بها، آب و برق و گاز و خدمات واحد مسکونی طی یک ماه تورم ۳.۳ درصدی نسبت به تیر ماه سال جاری داشته است؛ اما ۱.۰۳ واحد درصد از تورم ۲.۴ درصدی مرداد ماه متأثر از مسکن بوده است. این در حالی است که در تیر تورم ماهانه معادل ۲ درصد بوده و سهم مسکن از آن تنها ۰.۶۸ واحد درصد برآورد شده است. بنابراین سهم مسکن از تورم ماهانه افزایش یافته است. به نظر می‌رسد بخش بزرگی از این اتفاق به واسطه افزایش اجاره‌بها در اواسط تابستان باشد. فصل تابستان، فصل جابه‌جایی مستاجران است و در میانه رکود خرید و فروش مسکن، شوک قیمت اجاره‌ها در مرداد ماه موجب شده تا سبد کالایی مسکن به متهم اصلی افزایش تورم ماهانه تبدیل شود. در عین حال، از میان اقلام غیر خوراکی و خدمات، «پوشاک و کفش» با ثبت سهم ۰.۱۲ واحد درصدی، دومین سهم بالا را در ایجاد تورم ماهانه مرداد رقم زده است. کمترین سهم از این شاخص را «ارتباطات» و «آموزش» محقق کرده‌اند. به بیان دیگر، تنها ۰.۰۱ از تورم ۲.۴ درصدی مرداد متأثر از هر یک از این اقلام بوده است.

تورم ۲۱ استان بالاتر از کل کشور

تورم میانگین کل کشور در مرداد ماه، ۴۶.۷ درصد اعلام شده است. این عدد، ۰.۸ درصد کمتر از تیر ماه است. اما باید توجه داشت که نرخ تورم در ۲۱ استان کشور، بالاتر از این میزان بوده است. در این میان، ۱۳ استان تورم سالانه‌ای بالاتر از ۵۰ درصد داشته‌اند و مابقی تورمی بالاتر از ۴۶ درصد. بالاترین میزان تورم سالانه کشور متعلق به استان یزد است که ۵۷.۲ درصد در یک سال منتهی به مرداد ۱۴۰۲ نسبت به یک سال منتهی به مرداد ۱۴۰۱ تورم داشته است. بعد از یزد، استان‌های چهارمحال و بختیاری، لرستان و کردستان در رده‌های بعدی بالاترین تورم‌های استانی قرار گرفته‌اند. کمترین تورم سالانه نیز در استان تهران رخ داده است. پس از این استان، بوشهر، فارس و گیلان، کمترین تورم سالانه را داشته‌اند.

صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرد

تورم کاهشی می‌شود؟

۴.۷ و ۲.۸ درصد برآورد میشود. این گزارش همچنین تاکید دارد که پیش‌بینی می‌شود که رشد اقتصادی در آمریکا از ۲.۱ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۱.۸ درصد در سال ۲۰۲۳ و به ۱ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یابد. همچنین براساس پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصاد جهانی از ۳.۵ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۳ درصد در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ خواهد رسید. براین اساس، افزایش نرخ بهره از طرف بانک‌های مرکزی برای مقابله با تورم از مهمترین عواملی است که باعث کند شدن رشد اقتصادی می‌شود.

صندوق بین‌المللی پول در جدیدترین پیش‌بینی خود اعلام کرده است که پیش‌بینی می‌شود که تورم در بیشتر کشورهای روند نزولی داشته باشد، اما همچنان در سطح بالایی قرار دارد. انتظار می‌رود تورم در غالب کشورهای آتی نزولی باشد؛ اما همچنان سطح بالای آن حفظ خواهد شد؛ این پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول از تورم در کشورهای جهان است. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود تورم جهان در سال ۲۰۲۳، حدود ۶.۸ درصد و در سال ۲۰۲۴ نیز ۵.۲ درصد باشد. این رقم البته برای اقتصادهای پیشرفته به ترتیب



رشد اقتصاد جهان برای سال ۲۰۲۳

معاونت بررسی اقتصادی اتاق تهران در گزارشی به بررسی پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول پرداخته است. صندوق بین‌المللی پول در جولای ۲۰۲۳ با انتشار تازه‌ترین گزارش ارزیابی خود از وضعیت اقتصادی جهان ضمن به روزآوری چشم‌انداز اقتصاد جهانی، پیش‌بینی قبلی خود از روند رشد اقتصاد جهان برای سال ۲۰۲۳ را ۰.۲ واحد درصد افزایش داده است. براساس این گزارش، روند احیای اقتصاد جهان پس از همه‌گیری کووید ۱۹ و جنگ بین روسیه و اوکراین کند شده است و بین بخش‌ها و مناطق اقتصادی مختلف واگرایی و تفاوت وجود دارد. بر اساس پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصاد جهانی از ۳.۵ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۳ درصد در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ خواهد رسید. پیش‌بینی رشد سال ۲۰۲۳ در گزارش جدید صندوق بین‌المللی پول نسبت به پیش‌بینی ماه آوریل حدود ۰.۲ واحد درصد افزایش و رشد سال ۲۰۲۴ بدون تغییر باقی مانده است. تداوم تحرک اقتصادی در بخش خدمات از جمله دلایل این بهبود است با این حال پیش‌بینی رشد اقتصادی برای سال ۲۰۲۴-۲۰۲۳ بسیار پایین‌تر از میانگین رشد سالانه طی بازه ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ است. این گزارش معتقد است: پیش‌بینی تولید ناخالص داخلی و همچنین تولید ناخالص داخلی سرانه نیز پایین‌تر از میانگین سالانه طی سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۰۰ است. رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته به دلیل تولید ضعیف‌تر و همچنین عواملی که فعالیت‌های خدماتی را خنثی می‌کند از سال ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۳ رو به کاهش خواهد بود. در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه نیز چشم‌انداز رشد به استثنای برخی مناطق برای سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ ثابت است. انتظار می‌رود تورم جهانی از ۸.۷ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۶.۸ درصد در سال ۲۰۲۳ و ۵.۲ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یابد. پیش‌بینی می‌شود که تورم هسته که بیانگر تورم مربوط به تمام کالاها و خدمات در بدون احتساب قیمت‌های ثابت مواد غذایی و قیمت سوخت می‌شود به تدریج کاهش یابد. همچنین پیش‌بینی‌ها برای تورم در سال ۲۰۲۴ به سمت بالا بازنگری شده است. افزایش نرخ بهره از طرف بانک‌های مرکزی برای مقابله با تورم از مهمترین عواملی است که باعث کند شدن رشد اقتصادی می‌شود. تشدید سیاست‌های بانک‌های مرکزی در واکنش به مهار تورم هزینه استقراض را افزایش داده و فعالیت‌های اقتصادی را محدود کرده است. بانک‌ها در اقتصادهای پیشرفته استانداردهای وام‌دهی را به میزان قابل توجهی تشدید و عرضه اعتبار را محدود کرده‌اند. تأثیر نرخ‌های بهره بالاتر بر امور مالی عمومی به ویژه در کشورهای فقیرتر که با هزینه‌های بدهی بالا دست و پنجه نرم می‌کنند گسترش یافته و فشار را برای سرمایه‌گذاری‌های اولویت‌دار محدود می‌کند. پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول این است که تورم

در بیشتر کشورهای رووندن زولی داشته باشد، اما همچنان در سطح بالایی قرار دارد. به دنبال افزایش ذخایر گاز در اروپا و تقاضای کمتر از انتظار، چین قیمت انرژی و مواد غذایی نسبت به اوج خود در سال ۲۰۲۲ به میزان قابل توجهی کاهش یافته است اما همچنان قیمت مواد غذایی در سطح بالایی قرار دارد قیمت نفت در سال ۲۰۲۲ تا ۳۹ درصد افزایش یافت و انتظار بر این است که در سال ۲۰۲۳ حدود ۲۱ درصد کاهش یابد که نشان دهنده کندی فعالیت اقتصاد جهانی است. بهبود زنجیره‌های تامین به کاهش سریع تورم در اکثر کشورها کمک کرده است. تورم هسته به تدریج کاهش یافته اما همچنان بسیار دورتر از اهداف بیشتر بانک‌های مرکزی باقی مانده است تداوم آن بسته به اقتصاد خاص منعکس کننده انتقال شوک‌های گذشته به تورم و سپس به تورم هسته، بالا ماندن سود شرکت‌ها بازارهای کار منقبض با رشد بالای دستمزد است که هزینه‌های نیروی کار را افزایش می‌دهد. با این حال به نظر می‌رسد تا به امروز، مارپیچ‌های دستمزد قیمت که یک چرخه دائمی را توصیف می‌کند و در آن افزایش دستمزدها باعث افزایش قیمت‌ها می‌شود و بالعکس در متوسط اقتصادهای پیشرفته وجود نداشته و انتظارات تورمی، بلندمدت ثابت باقی بماند در واکنش به تداوم تورم، هسته، بانک‌های مرکزی بزرگ اعلام کرده‌اند که باید سیاست‌های پولی را بیش از پیش تشدید کنند پیش‌بینی‌های مربوط به نرخ‌های بهره جهانی در گزارش حاضر نسبت به گزارش ماه آوریل به سمت بالا مورد بازنگری قرار گرفته است که منعکس کننده سیاست‌های انقباضی واقعی از سوی بانک‌های مرکزی بزرگ است اکنون انتظار می‌رود فدرال رزرو و بانک انگلستان نرخ‌ها را بیش از آنچه در گزارش آوریل در نظر گرفته شده بود، افزایش دهند. انتظار بر این است بانک فدرال رزرو نرخ بهره را در سال ۲۰۲۳ به ۵.۶ درصد افزایش داده و سپس در سال ۲۰۲۴ کاهش دهد. علاوه بر این پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول این است که با کاهش انتظارات تورمی کوتاه مدت احتمال دارد نرخ‌های بهره واقعی پس از کاهش نرخ‌های اسمی نیز در سطح بالایی باقی بماند. این صندوق تأکید کرد که تورم همچنان می‌تواند بالا بماند و حتی بالاتر هم برود به خصوص اگر جنگ در اوکراین شدت بگیرد یا اینکه رویدادهای اقلیمی اتفاق بیفتد. فشار تورمی بر بخش بانکی در حال کاهش است. حل اخیر منازعه سیاسی در آمریکا بر سر میزان بدهی و برخورد مقام‌ها برای مقابله با تلاطم در بانک‌های سوئیس و آمریکا از دلایلی است که باعث شده است مخاطراتی که بخش مالی را در سراسر جهان تهدید می‌کرد، کاهش پیدا کند. اما سیاست‌های پولی سختگیرانه همچنان برخی بانک‌ها را هم به طور مستقیم از طریق هزینه‌های بیشتر تامین مالی (و هم به طور غیر مستقیم با افزایش ریسک اعتباری تحت فشار قرار می‌دهد.

تورم تخمین زده شده برای پایان سال چقدر است؟

چهار سناریوی تورمی

اگر عملکرد دولت در حوزه تورم در یک سال و دو سال گذشته مبنای دورنمای آماری تورم در پایان سال قرار بگیرد کانال تورم بالای ۴۰ درصد رقم خواهد خورد. البته این تخمین با فرض عدم درگیری اقتصاد با تکانه‌های پیش‌بینی نشده صورت گرفته است. تورم سالانه تخمین زده شده طی سناریوهای مختلف برای سال ۱۴۰۲، در خوشبینانه‌ترین حالت بیش از ۳۳ درصد و در صورت طی روندهای گذشته نهایتاً ۴۳٫۵۵ درصد رقم خواهد خورد. با این وجود در صورت اتخاذ سیاست‌هایی که به جهش نرخ ارز یا کاهش سرمایه اجتماعی منجر می‌شوند، نرخ تورم سالانه شدیدتر از آنچه در این گزارش تخمین زده شده، دور از ذهن نیست.





چهار سناریوی محتمل

از مرداد ۱۴۰۰ که دولت سیزدهم شروع به کار کرد، میانگین تورم ماهانه‌ای که در کشور تجربه شده حدوداً ۳ درصد است. به عبارت دیگر این رقم معادل میانگین تورم ۲۴ ماه گذشته است. حال اگر فرض کنیم تا آخر سال ۱۴۰۰ نیز به شکلی میانگین تورم همراه حدوداً ۳ درصد تورم رقم بخورد، نرخ تورم سالانه در اسفند ماه سال جاری به ۴۳,۵۵ درصد می‌رسد. اگر فرض شود که تا آخر سال جاری تورم ماهانه شهریور تا اسفند حدود ۲,۵ درصد باشد، تورم سالانه در پایان سال ۱۴۰۲ به ۴۱,۸ درصد می‌رسد. نرخ ۲,۵ درصد معادل میانگین نرخ تورم‌های تجربه شده در ۵ ماه ابتدایی سال بوده است. طبق اعلام مرکز آمار، تورم ماهانه مرداد در سال ۱۴۰۲ معادل با ۲,۴ درصد بوده است. با فرض ادامه دار بودن همین میزان تورم در ۷ ماه آتی، میزان تورم سالانه در بازه منتهی به اسفند ۱۴۰۲ به ۴۱,۳ درصد می‌رسد. میانگین نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به مرداد سال جاری، ۲,۸ درصد محاسبه می‌شود. اگر تورم در ماه‌های باقی‌مانده از ۱۴۰۲ نیز با همین روال به مسیر خود ادامه بدهد، تورم سالانه به ۴۲,۷ درصد می‌رسد.

سناریوهای خوشبینانه اما بعید

بررسی‌ها نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن تورم ماهانه ۱ درصد تا آخر سال، تورم در نهایت به ۳۶,۴۵ درصد در انتهای سال می‌رسد.

سناریوی آخر

سناریوی آخر که بهترین سناریوی ممکن و بعیدترین سناریو است، می‌تواند مشخص‌کننده بهترین حالت باشد. در صورتی که در هفت ماه باقی‌مانده سال هیچ تورمی تجربه نشود و تورم ماهانه صفر باشد، تورم سالانه در اسفند ۱۴۰۲ به ۳۳,۲ درصد می‌رسد. به عبارت دیگر با توجه به تورم‌های تجربه شده در ماه‌های گذشته، حتی با تورم صفر در ماه‌های آتی نیز، کمترین میزان تورم سالانه بالغ بر ۳۳,۲ درصد خواهد بود. در این میان اگر دولت همان مسیر دو سال گذشته را در بعد ماهانه ادامه دهد، تورم ثبت شده در پایان سال بالاتر از مرز ۴۰ درصد قرار خواهد گرفت. اتفاقی که با دورنمای سیاست‌گذاران اقتصادی این دولت، تناقض دارد.

ضربه سنگین رکود اقتصادی به بنگاه‌ها

فضای اقتصادی کشور پس از نوسانات نرخ ارز و مشکلات ریز و درشت بعدی، شرایطی را ایجاد کرده که فرآیند تولید سخت‌تر از قبل دنبال می‌شود و برخی به دنبال راه‌حل‌های اقتصادی برای برون رفت از این وضعیت هستند، اما این موضوع اصلاً راه‌حل اقتصادی ندارد و ضرورت دارد تا راه‌حل‌های غیراقتصادی برای این مسائل پیگیری شود. اگر در حال حاضر ما با مشکل کمبود منابع ارزی در کشور یا عدم دسترسی به مواد اولیه برای تولید کالاها روبه‌رو هستیم به این دلیل نیست که این موارد غیر قابل حل هستند و چاره‌ای برای این دست از مشکلات وجود ندارد. بلکه این معضلات در بخش تولید به صورت غیرمستقیم گریبانگیر اقتصاد کشور شده که همین موارد هم باعث پیچیده‌تر شدن فرآیند تولیدی شده است. ضمن آنکه معمولاً در این شرایط تصمیمات اقتصادی اشتباهی هم



شریف نظام مافی
رئیس اتاق مشترک
بازرگانی ایران و
سوئیس

گرفته می‌شود و افراد متخصص و فعالان اقتصادی حتی اگر بخواهند تصمیمات درستی را اتخاذ کنند نیز دیگر قادر به ادامه تولید نیستند.





از این جهت با یک نوع چرخه معکوس روبه‌رو هستیم که باعث رکود تورمی شده است. نخستین صدمه این رکود اقتصادی به بنگاه‌های تولیدی کشور است و در نهایت هم صنایع باید تاوان این رکود را بدهند و تجار و افرادی هم که به خرید و فروش کالا می‌پردازند معمولاً در مرحله دوم و سوم این رکود قرار دارند و اما در مرحله نخست تولید و صنعت است که درگیر رکود می‌شود و این رکود هم تا زمانی ادامه دارد که ساختارهای اقتصادی به گونه‌ای بهبود پیدا کند که سرمایه‌گذاری‌ها در بخش خصوصی افزایش یابد و این سرمایه‌ها بتوانند به لحاظ پیش‌بینی‌پذیری ضمانت لازم را برای رشد اقتصادی داشته باشند.

اما امروز کشور در شرایطی قرار گرفته که توان رشد در بخش صادرات وجود ندارد و آن هم به دلیل شرایط تحریمی است که بر کشور حاکم شده و این تحریم‌ها هم هر روز فشار را بر تولید و بخش صنعت بیشتر کرده‌اند و رکود در صنایع را افزایش داده‌اند. اگر موانعی که بر سر راه تولید وجود دارد برداشته شود هم به صنعت کمک می‌شود و هم افزایش تولیدات را به دنبال

دارد. اما متأسفانه ۸۰ درصد موانع تولید در کشور به دلیل دخالت‌های دولت در اقتصاد ایجاد شده. اگر دولت از این دخالت‌ها دست بردارد و تنها ناظر بر اقتصاد و پیشرفت‌های اقتصادی باشد مطمئناً بخش خصوصی هم به ثبات لازم خواهد رسید. یک نمونه در این حوزه کشور هند است که به لحاظ اقتصادی در گذشته بسیار شبیه به ایران بود، اقتصاد هند در زمان نخست‌وزیری «ایندیرا گاندی» به صورت دولتی اداره می‌شد اما دولتی که پس از ایندیرا گاندی بر سر کار آمد به اقتصاد بازار آزاد معتقد بود و همین مساله باعث شد تا رشد اقتصادی در هند افزایش پیدا کند. اما تا قبل از آن اقتصاد هند هم شبیه اقتصاد ایران یک اقتصاد دولتی همراه با رانت و فساد بود که رشد اقتصادی چندانی هم نداشت و همه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و تجار در هند نیز از این وضعیت به ستوه آمده بودند این در حالی است که امروز هند میزبان نشست کشورهای G20 شده و می‌بینیم که قراردادهای اتصال خط آهن هند به کشورهای اروپایی از طریق عربستان را هم امضا می‌کند.

رشد تورم تولیدکننده در ماه‌های آینده به مرز هشدار رسید

علائم رکود سنگین در اقتصاد

تداوم این شرایط می‌تواند در ماه‌های آینده روند افزایشی شاخص قیمت تولیدکننده (PPI) را تشدید کند.

شامخ چیست؟

یکی از ابزارهای پرکاربرد که کارشناسان اقتصادی برای درک و تحلیل وضعیت حاکم بر اقتصاد از آن استفاده می‌کنند، شاخص مدیران خرید نام دارد. شاخص مدیران خرید که بیشتر با نام شامخ یا PMI شناخته می‌شود، مورد پذیرش اکثر کشورهای توسعه‌یافته است و نقش تعیین‌کننده‌ای در تخمین وضعیت اقتصادی کشورهای جهان دارد. برای به دست آوردن این شاخص، از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود به ۱۲ پرسش پاسخ دهند. مقدار تولید محصولات، میزان سفارشات جدید،

شاخص ترکیبی مدیران خرید برای کل اقتصاد ایران برای چهارمین ماه پیاپی در روند کاهشی قرار داشته و به ۴۹,۹۷ رسیده که در مقایسه با تیرماه (۵۰,۶۳) اندکی کمتر است. این رقم، کمترین مقدار هفت ماه اخیر شامخ (غیر از فروردین) محسوب می‌شود. طبق اطلاعات این گزارش، در مردادماه شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان در مردادماه به کمترین مقدار هفت‌ماهه اخیر (غیر از فروردین‌ماه) رسیده، شاخص موجودی مواد اولیه برای سومین ماه پیاپی کاهشی بوده و شاخص میزان فروش کالا و خدمات نیز برای دومین ماه پیاپی مقدار کمتر از ۵۰ را نشان می‌دهد. براساس اطلاعات شامخ کل اقتصاد در مرداد ۱۴۰۲، می‌توان گفت که در شرایط فعلی، مشکل تامین مواد اولیه و رشد فزاینده قیمت مواد اولیه طی ماه‌های گذشته، مساله مهم بخش تولید بوده و



سرعت انجام و تحویل سفارش، موجودی مواد اولیه، میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی، قیمت خرید مواد اولیه، موجودی محصول نهایی در انبار، میزان صادرات کالا، قیمت محصولات تولید شده، مصرف حامل‌های انرژی، میزان فروش محصولات و همچنین انتظارات تولید در ماه آینده محورهای سوالات ۱۲ گانه است. هر سوال در این نظرسنجی جواب سه گزینه‌ای بسیار ساده‌ای دارد: نسبت به ماه قبل «بهتر شده است» یعنی عدد ۱۰۰؛ نسبت به ماه قبل «تغییر نکرده است» عدد ۵۰؛ نسبت به ماه قبل «کاهش یافته است» عدد صفر. بنابراین، شامخ بالای ۵۰ یا زیر آن می‌گوید که به‌طور متوسط اوضاع بهتر یا بدتر شده است، اما اینکه چقدر بهتر یا بدتر شده را نمی‌توان فهمید. به عبارت دیگر، عدد شامخ «میزان بهبود» را نشان نمی‌دهد و فقط و فقط روند بهبود یا تضعیف را نشان می‌دهد.

کالاهای روی دست تولیدکنندگان ماند

شاخص میزان فعالیت‌های کسب و کارها در مردادماه با ثبت مقدار ۵۴,۶۰ در مقایسه با ماه قبل (۵۰,۹۷) افزایش داشته است. این در حالی است که شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان (۴۴,۸۴) کمترین مقدار هفت ماهه اخیر (غیر از فروردین‌ماه) را به ثبت رسانده است. در نتیجه با توجه به پیشی گرفتن میزان فعالیت‌های کسب و کار از میزان سفارشات، عدم تعادل به وجود آمده در عرضه و تقاضا به صورت افزایش در موجودی انبار به‌ویژه در بخش صنعت گزارش شده است، به‌طوری که شاخص موجودی محصول در انبار یا کارهای معوق با عدد ۵۱,۰۱، دومین بیشترین مقدار خود را در ۱۰ ماه اخیر از آبان ۱۴۰۱ به ثبت رسانده است. در میان بخش‌های اقتصادی، تقاضای مشتریان در بخش‌های صنعت و خدمات کاهش داشته و در بخش تقاضای خارجی نیز شاخص میزان صادرات کالا یا خدمات با مقدار ۴۸,۸۹، برای دومین ماه پیاپی کاهش یافته است. اگرچه شیب کاهش در مقایسه با ماه گذشته اندکی ملایم‌تر بوده است. بر همین اساس به دلیل کاهش در تقاضای داخلی و خارجی، شاخص میزان فروش با مقدار ۴۹,۱۳، برای دومین ماه پیاپی کاهش داشته اما شدت کاهش در مقایسه با ماه گذشته کمتر است. در مردادماه شرکت‌ها همچنان در تامین مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز خود با مشکل روبه‌رو بوده‌اند به‌طوری که شاخص موجودی مواد اولیه و لوازم مورد نیاز (۴۷,۸۸) برای

سومین ماه پیاپی کاهش یافته است، اگرچه شدت کاهش آن در مقایسه با تیرماه (۴۴,۵۶) کمتر بوده است. در همین حال، شاخص قیمت خرید مواد اولیه و لوازم مورد نیاز و تورم قیمت نهاده‌ها با شتاب کمتری افزایش داشته و به کمترین میزان ۱۱ ماه اخیر از مهرماه ۱۴۰۱ رسیده است، اما مشکلات مربوط به کمبود نقدینگی و عدم تخصیص ارز و تسهیلات از سوی بانک‌ها به همراه محدودیت‌های مربوط به واردات مواد اولیه و ترخیص کالا از گمرک، باعث شده تا به‌رغم کاهش سرعت افزایش قیمت، شاخص موجودی مواد اولیه و لوازم مورد نیاز همچنان کاهش یافته باشد.

شاخص تولید در پایین‌ترین سطح ۷ ماهه

بر اساس داده‌های به دست آمده از بنگاه‌های بخش صنعت، شاخص مدیران خرید صنعت (تعدیل فصلی نشده) در مردادماه با ثبت عدد ۴۷,۷۲ برای چهارمین ماه پیاپی و با شدت بیشتری در مقایسه با ماه گذشته کاهش یافته و کمترین میزان هفت ماهه اخیر را از دی‌ماه (غیر از فروردین‌ماه) به ثبت رسانده است. در این ماه، مولفه‌های اصلی جز میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی و سرعت انجام و تحویل سفارش، کمتر از ۵۰ گزارش شده‌اند. کاهش در شاخص صنعت و ایجاد شرایط رکودی عمدتاً به دلیل کاهش رشد میزان سفارشات است. افزایش قیمت خرید مواد اولیه طی ماه‌های گذشته و کمبود نقدینگی در بازار، کاهش شدید در تقاضای مشتریان و در پی آن رکود را به همراه داشته به‌طوری که شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان ۴۳,۶۵ برای چهارمین ماه پیاپی کاهش داشته و پایین‌ترین مقدار خود را طی ۱۲ ماه گذشته از مردادماه سال ۱۴۰۱ (جز فروردین‌ماه) ثبت کرده است. در بخش تقاضای خارجی نیز، شاخص میزان صادرات (۴۶,۲۱) برای چهارمین ماه پیاپی کاهش داشته و غیر از فروردین‌ماه، کمترین مقدار ۷ ماهه خود را ثبت کرده است. بر اساس نظرات فعالان اقتصادی در برخی موارد بسته بودن مرز ایران و عراق در آستانه اربعین بر کاهش صادرات اثرگذار بوده است و از سوی دیگر نحوه رفع تعهدات ارزی باعث شده تا در مواردی که صادرات به کشورهای همسایه به صورت ریالی انجام می‌شود، صرفه اقتصادی نداشته باشد. شاخص مقدار تولید ۴۳,۸۷ برای چهارمین ماه پیاپی کاهش داشته و در مردادماه کمترین مقدار خود را طی هفت ماهه اخیر (جز فروردین) ثبت کرده است.

کاهش شدید تقاضا و فروش

علاوه بر کاهش شدید تقاضای مشتریان که بر افت تولید اثر گذار بوده است، قطعی مکرر برق، تعطیلات تابستانی کارخانه‌ها و کمبود مواد اولیه، کاهش تولید مردادماه را تشدید کرده‌اند. در عین حال بسیاری از شرکت‌ها با تاخیر در دریافت مطالبات از سوی مشتریان روبه‌رو هستند که با توجه به مشکلات عدم تامین مالی از سوی بانک‌ها، نقدینگی و سرمایه در گردش به شدت کاهش یافته است. تامین مواد اولیه به دلیل شدت گرفتن مشکلات ناشی از عدم تخصیص ارز و عدم تامین مالی از سوی بانک‌ها در شرایطی که شرکت‌ها با کمبود نقدینگی شدید روبه‌رو هستند و اعمال سلیقه‌ای قوانین غیر کارشناسانه گمرک در رابطه با واردات تجهیزات و مواد اولیه مورد نیاز شرکت‌ها، به شدت با مشکل روبه‌رو شده است، شاخص موجودی مواد اولیه ۴۷،۷۰ برای دومین ماه پیاپی کمبود مواد اولیه را نشان می‌دهد.

شاخص میزان فروش محصولات (۳۹،۱۶) با شتاب بیشتری نسبت به ماه گذشته برای چهارمین ماه پیاپی کاهشی است و کمترین مقدار ۷ ماهه اخیر را به ثبت رسانده است. این میزان کاهش در فروش به دلیل کاهش شدید تقاضای داخل و کاهش در صادرات است. همچنین ادامه

تضعیف تقاضای مردادماه نیز باعث شده است تا با وجود عواملی مانند تعطیلی تابستانی کارخانه‌ها، قطعی مکرر برق و کمبود مواد اولیه، شاخص موجودی محصول نهایی در انبار (۵۳،۷۵) برای چهارمین ماه پیاپی افزایشی باشد هر چند نسبت به ماه گذشته (۵۴،۹۸) کاهش داشته است.

شرکت‌ها خوش بین هستند

با نگاهی به آینده، انتظارات شرکت‌ها نسبت به فعالیت‌های آتی در شهریورماه مثبت گزارش شده و میزان خوش بینی نسبت به ماه گذشته افزایشی است. با داشتن چشم‌انداز بهتر برای ماه آینده و با توجه به کمبود نیروی کار ماهر طی ماه‌های اخیر که در گزارشات قبلی به آن اشاره شده بود، برخی شرکت‌ها برای جبران این کمبود و همچنین امید بهبود در تولید شهریورماه، تعداد کارکنان خود را افزایش داده‌اند.

مشکلات اصلی در مردادماه ۱۴۰۲

شرکت‌ها با چه مشکلاتی مواجه بوده‌اند؟ این فهرستی است که گزارش «شامخ» ارائه کرده است: «نقدینگی و گردش پول بسیار محدود شده است و بانک‌ها ارزی تخصیص نمی‌دهند و عدم تخصیص ارز جهت واردات مواد اولیه طی چند ماه گذشته بسیاری از شرکت‌ها را با کمبود مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز روبه‌رو کرده است». «قطعی مکرر برق باعث به تعویق افتادن فعالیت‌ها شده است». «امکان ترخیص مواد اولیه از گمرک وجود ندارد». «شرکت‌هایی که صادرات‌شان دلاری انجام نمی‌شود، به دلیل مشکلات نحوه رفع تعهد ارزی در آستانه تعطیل شدن قرار دارند». «صادرات صنایع شیمیایی به دلیل بسته شدن مرزهای عراق در ایام اربعین، افت کرده است». «شرکت‌ها در استخدام نیروی کار ماهر به دلیل پایین بودن حقوق و دستمزد با مشکل روبه‌رو هستند».

شاخص	صنایع لاستیک و پلاستیک	صنایع فرآورده‌های نفت و گاز	صنایع نساجی	ماشین‌سازی و لوازم خانگی	صنایع کانی غیر فلزی	صنایع فلزی	صنایع غذایی	صنایع شیمیایی	چوب، کاغذ و مبلمان	وسایل نقلیه و قطعات وابسته	پوشاک و جرم	سایر صنایع
شامخ گروه	۵۴،۰۴	۵۵،۴۷	۴۷،۹۲	۶۲،۲۰	۴۹،۴۶	۴۲،۰۶	۴۷،۲۵	۵۰،۱۰	۳۸،۹۶	۴۵،۷۷	۴۲،۲۲	۴۸،۹۳
مقدار تولید محصولات	۶۱،۵۴	۶۲،۵۰	۴۱،۶۷	۶۶،۰۰	۵۰،۰۰	۳۶،۶۷	۳۸،۲۴	۴۸،۹۸	۲۹،۱۷	۳۸،۴۶	۲۷،۷۸	۵۰،۰۰
میزان سفارشات جدید	۵۷،۶۹	۵۰،۰۰	۵۰،۰۰	۶۲،۰۰	۴۶،۴۳	۳۵،۵۶	۴۱،۱۸	۴۵،۹۲	۲۹،۱۷	۴۶،۱۵	۳۸،۸۹	۵۰،۰۰
سرعت انجام و تحویل سفارش	۵۰،۰۰	۶۵،۶۳	۵۰،۰۰	۶۲،۰۰	۶۰،۷۱	۴۶،۶۷	۵۲،۹۴	۴۸،۹۸	۵۸،۳۳	۵۰،۰۰	۶۱،۱۱	۴۲،۸۶
موجودی مواد اولیه	۳۸،۴۶	۴۳،۷۵	۵۰،۰۰	۵۸،۰۰	۴۶،۴۳	۴۵،۵۶	۴۸،۵۳	۵۵،۱۰	۵۰،۰۰	۴۴،۲۳	۲۲،۲۲	۲۱،۴۳
میزان استخدام و بکارگیری نیروی انسانی	۵۰،۰۰	۵۳،۱۳	۵۰،۰۰	۶۰،۰۰	۴۶،۴۳	۵۳،۳۳	۶۳،۲۴	۵۶،۱۲	۴۵،۸۳	۵۱،۹۲	۶۱،۱۱	۶۴،۲۹
قیمت خرید مواد اولیه	۵۰،۰۰	۷۸،۱۳	۵۰،۰۰	۷۴،۰۰	۸۲،۱۴	۵۴،۴۴	۷۳،۵۳	۶۷،۳۵	۶۲،۵۰	۵۹،۶۲	۶۶،۶۷	۷۸،۵۷
موجودی محصول (انبار)	۵۳،۸۵	۴۶،۸۸	۵۰،۰۰	۷۰،۰۰	۵۷،۱۴	۶۰،۰۰	۴۵،۵۹	۵۳،۰۶	۵۰،۰۰	۵۱،۹۲	۳۳،۳۳	۴۲،۸۶
میزان صادرات کالا	۵۳،۸۵	۴۶،۸۸	۵۸،۳۳	۵۶،۰۰	۴۶،۴۳	۴۰،۰۰	۴۴،۱۲	۴۸،۹۸	۵۰،۰۰	۴۳،۳۱	۲۲،۲۲	۵۰،۰۰
قیمت محصولات تولیدشده	۵۷،۶۹	۶۲،۵۰	۴۱،۶۷	۵۰،۰۰	۴۶،۴۳	۳۵،۵۶	۴۸،۵۳	۵۴،۰۸	۴۵،۸۳	۵۰،۰۰	۴۴،۴۴	۵۷،۱۴
مصرف حامل‌های انرژی	۵۰،۰۰	۵۳،۱۳	۵۸،۳۳	۶۰،۰۰	۴۶،۴۳	۴۴،۴۴	۵۱،۴۷	۴۷،۹۶	۴۵،۸۳	۴۸،۰۸	۳۸،۸۹	۶۴،۲۹
میزان فروش محصولات	۴۶،۱۵	۵۳،۱۳	۴۱،۶۷	۵۴،۰۰	۵۳،۵۷	۳۳،۳۳	۳۸،۲۴	۳۴،۶۹	۲۵،۰۰	۳۴،۴۵	۳۸،۸۹	۴۲،۸۶
انتظارات تولید در ماه آینده	۸۸،۴۶	۶۵،۶۳	۷۵،۰۰	۶۴،۰۰	۶۷،۸۶	۵۰،۰۰	۶۹،۱۲	۶۵،۳۱	۶۶،۶۷	۶۱،۵۴	۷۲،۲۲	۵۷،۱۴

دلیل تاخیر در تخصیص ارز به صنایع چیست؟



عباس آرگون
عضو هیات
نمایندگان اتاق
تهران

یکی از مشکلاتی که تولیدکنندگان این روزها با آن درگیر هستند روند طولانی مدت در تخصیص ارز دولتی به منظور خرید مواد اولیه است که مشکلات عدیده‌ای را هم به وجود آورده است. ضرورت دارد تا مسوولان بانک مرکزی در این خصوص به صورت شفاف توضیح دهند که با

وجود گشایش‌های ارزی که اخیراً به وجود آمده و منابع ارزی دولت هم در شرایط بدی قرار ندارد؛ دلیل این تاخیرها در تخصیص ارز به صنایع چیست؟ ضمن آنکه در گزارش‌هایی هم که از وضعیت تجارت خارجی منتشر شده انتظار این است تا روند تخصیص ارز به صنایع هر چه زودتر اصلاح شود و تخصیص ارز به تولیدکنندگان هم با سرعت بیشتری انجام گیرد. هر چند بنگاه‌های تولیدی نه تنها درگیر فرآیند طولانی مدت در تخصیص ارز دولتی شده‌اند حتی پس از تخصیص ارز هم با چگونگی تامین ارز مواجه می‌شوند، چراکه ارز را با نرخی که مدنظر دارند نمی‌توانند پیدا کنند تا فعالیت‌شان را آغاز کنند. صنایع در بانک‌های مختلفی هم به دنبال تامین ارز هستند و همین روند هم زمان زیادی از فعالان اقتصادی می‌گیرد و این مساله نیز باعث کندتر شدن فرآیند تولید از سوی صنایع می‌شود. مسلماً یکی از مهم‌ترین موارد در این مسیر سرعت بخشی برای تخصیص ارز است تا وقفه‌ای در تولید ایجاد نشود، چراکه این روزها بخش عمده‌ای از واردات مخصوص مواد اولیه است و اگر این وقفه‌ها در تخصیص ارز دولتی صنایع طولانی مدت شود سیالیت در بخش تولید را از بین خواهد برد. تولید در کشور نیازمند حمایت است که از مولفه‌های حمایت از تولید می‌توان به تسهیل در تامین مواد اولیه مورد نیاز و به موقع برای بنگاه‌های تولیدی، فراهم کردن شرایط مناسب برای صادرات کالاها، ثبات بخشی و پیش‌بینی پذیری نرخ ارز اشاره کرد، البته کاهش ناطمینانی‌ها هم از

اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، چراکه ناطمینانی‌ها تأثیرات بسیار زیانباری بر نظام اقتصادی کشور دارد و کسب و کارها را با مشکل مواجه می‌کند و باعث کاهش سرمایه‌گذاری‌ها می‌شود. البته عدم تخصیص به موقع ارز تنها مشکل بنگاه‌های صنعتی و تولیدی کشور نیست و افزایش و جهش تولید از یک طرف نیاز به حمایت و پشتیبانی‌های دولتی و از طرف دیگر نیاز به مانع‌زدایی دارد و معمولاً برآیند چندین موضوع از تامین مالی گرفته تا تاخیر در برداشتن تحریم‌ها و عدم کنترل تورم و همه محدودیت‌ها در بخش تولید و فضای کسب و کار منتج به مشکلات متعدد در بخش تولید شده و کاهش قدرت خرید مردم و افت تقاضا را به دنبال داشته است که حل هر کدام از آنها می‌تواند به نوعی در برطرف کردن موانع تولید کمک کند و اینکه تولیدکننده باید به این امید تولید کند که تقاضایی در بازار برای تولیداتش وجود داشته باشد. مسائلی که امروز فعالان اقتصادی با آن روبه‌رو هستند، مسائل جدی و اثرگذاری است که نمی‌توان انتظار داشت با شعار برطرف شود.

چرا روند سرمایه گذاری در ایران طی بازه زمانی ۱۰ ساله (۱۳۹۱-۱۴۰۱) کند بوده است؟

روند منفی فرود سرمایه خارجی

که نسبت به سال ۱۴۰۰ رشدی معادل ۶.۷ درصد تجربه کرده و در زمینه سرمایه گذاری خارجی طی سال ۲۰۲۲، ایران در بین کشورهای جهان از حیث میزان جذب سرمایه گذاری خارجی در رتبه ۷۹ قرار داشته است.

وضعیت جذب سرمایه

معاونت بررسی های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در گزارشی تحت عنوان «نگاهی به وضعیت سرمایه گذاری در ایران» به بررسی وضعیت سرمایه گذاری در ایران پرداخته و ضمن اشاره به موانع و مشکلات در باب سرمایه گذاری، به صورت خلاصه به پیشینه سرمایه گذاری خارجی در ایران اشاره کرده است. این گزارش نشان می دهد طی بازه زمانی منتهی به سال ۱۴۰۱ روند عمومی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت های ثابت سال ۱۳۹۵، نزولی بوده و نرخ رشد سالانه سرمایه گذاری

تغییرات رشد سرمایه گذاری در ایران تحلیل شد. ارزیابی ها نشان می دهد، طی دوره ۱۰ ساله ۱۳۹۱-۱۴۰۱ فقط در سالهای ۱۳۹۳، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ رشد کل سرمایه گذاری در اقتصاد ایران، مثبت و به ترتیب برابر با ۷.۱ درصد، ۳.۲ درصد، ۰.۰۱ درصد و ۶.۷ درصد بوده است. نکته قابل توجه در روند رشد سرمایه گذاری ایران این است که طی دهه ۸۰ میانگین رشد سرمایه گذاری مثبت بوده، اما در دهه ۹۰ میزان قابل توجهی کاهش و روند منفی به خود گرفته است. یکی از عمده ترین دلایل نبود رشد اقتصادی در دهه ۹۰، کاهش رشد در سرمایه گذاری بوده است؛ به عبارتی بهتر، پایین بودن سطح سرمایه گذاری در بیشتر کشورهای در حال توسعه مهمترین دلیل اقتصادی پایین بودن رشد اقتصادی به حساب می آید و که منجر به گرفتار شدن در تله فقر نیز می شود. البته بررسی ها نشان می دهد در سال ۱۴۰۱، سرمایه گذاری واقعی کشور ۲۷۵ هزار میلیارد تومان بوده



طی این بازه زمانی منفی ۵.۷ درصد است. همچنین کمترین رقم سرمایه گذاری واقعی کشور به قیمت های ثابت، مربوط به سال ۱۳۹۸ و برابر با ۲۴۹ هزار میلیارد تومان است که کمتر از نصف رقم سال ۱۳۹۰ بوده و علت آن تشدید تحریم ها از سال ۱۳۹۷ عنوان شده است. در این میان در سال ۱۴۰۱، سرمایه گذاری واقعی کشور ۲۷۵ هزار میلیارد تومان است که نسبت به سال ۱۴۰۰ رشدی معادل ۶.۷ درصد تجربه کرد.

نکته مهم این که در سال ۱۴۰۰، برای سومین سال متوالی و بر اساس داده های به قیمت ثابت ۱۳۹۵ بانک مرکزی، تقریباً استهلاک سرمایه با رقم سرمایه گذاری جدید در این سال برابر شده که یعنی کاسته شدن سرعت رشد سرمایه گذاری، باعث شده استهلاک سرمایه گذاری های قبلی با سرمایه گذاری های جدید برابری کند و شکاف بین این دو رقم به حداقل برسد. روند عمومی سرمایه گذاری واقعی در حوزه ماشین آلات و ساختمان طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ کاهش یافته، به نحوی که سرمایه گذاری در ساختمان از حدود ۲۵۶ هزار میلیارد تومان به قیمت ثابت ۱۳۹۵ در سال ۱۳۹۰ به ۱۵۲ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱ و سرمایه گذاری در ماشین آلات نیز از حدود ۲۶۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۰ به ۱۱۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱ کاهش یافته است. بنابراین شدت تضعیف سرمایه گذاری در حوزه ماشین آلات طی بازه زمانی مورد بررسی بیش از تضعیف سرمایه گذاری در حوزه ساختمان است. کمترین میزان سرمایه گذاری واقعی در حوزه ماشین آلات و ساختمان نیز مربوط به سال ۱۳۹۸ است که با وجود افزایش ارقام یاد شده در سال ۱۳۹۹، همچنان فاصله قابل توجهی این ارقام با سطوح سرمایه گذاری در سال ۱۳۹۰ وجود دارد.

رشد سرمایه گذاری در چه سال هایی مثبت بود؟

در بخش دیگری از این گزارش تغییرات رشد سرمایه گذاری در ایران بررسی شده است. بر این اساس طی دوره ۱۰ ساله ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۱ فقط در چهار سال ۱۳۹۳، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ رشد کل سرمایه گذاری در اقتصاد ایران، مثبت و به ترتیب برابر با ۷.۱ درصد، ۳.۲ درصد، ۰.۱ درصد و ۶.۷ درصد بوده است. در همین بازه زمانی طی نیمی از دوره رشد سرمایه گذاری در ماشین آلات مثبت و فقط طی سه سال رشد سرمایه گذاری در ساختمان مثبت است. نکته قابل توجه در روند رشد سرمایه گذاری ایران این است که طی دهه ۸۰ میانگین رشد سرمایه گذاری مثبت بوده، اما در دهه ۹۰ میزان قابل توجهی کاهش و روند منفی به خود گرفته است. یکی از عمده ترین دلایل نبود رشد اقتصادی در دهه ۹۰، کاهش رشد در سرمایه گذاری بوده است و واقع به طور کلی پایین بودن سطح سرمایه گذاری در بیشتر کشورهای در حال توسعه مهمترین دلیل اقتصادی پایین بودن رشد اقتصادی به حساب می آید و که

منجر به گرفتار شدن در تله فقر نیز می شود. در متون اقتصادی تله فقر زمانی ایجاد می شود که کاهش سرمایه، رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار دهد و یک نظام اقتصادی برای رهایی از فقر به سرمایه قابل توجهی نیاز داشته باشد.

روند تغییرات سرمایه گذاری خارجی

سرمایه گذاری صورت گرفته توسط بخش خصوصی در اقتصاد کشور طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ با نوسانات و روند عمومی کاهشی همراه بوده، به طوری که میانگین نرخ رشد سالانه سرمایه گذاری واقعی بخش خصوصی در این مدت منفی ۵.۳ درصد است. بر این اساس سرمایه گذاری واقعی بخش خصوصی در سال ۱۴۰۱ معادل ۲۲۳.۷ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به رقم ۴۰۵.۲ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۱ حدود ۴۴.۸ درصد کاهش داشته است. در این گزارش اتاق تهران با استناد به آمار آنکتاب، جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی ایران طی ۱۰ سال اخیر نیز بررسی شده که روندی با شیب ملایم را نشان می دهد. بر این اساس رقم سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور در سال ۲۰۲۲ به ۱.۵ میلیارد دلار رسیده که نسبت به سال ۲۰۲۱ حدود ۵.۳ درصد رشد داشته است. همچنین این آمار نشان می دهد بیشترین سرمایه گذاری خارجی در کشور مربوط به سال ۲۰۱۷ بوده است.

پیشتناژان جذب سرمایه خارجی

طبق بررسی ها، طی سال ۲۰۲۲، ایران در بین کشورهای جهان از حیث میزان جذب سرمایه گذاری خارجی در رتبه ۷۹ قرار داشته است. این در حالی است که امارات متحده عربی طی سال های اخیر توانسته روند صعودی جذب سرمایه گذاری را از سال ۲۰۱۹ آغاز کند و طی سال ۲۰۲۲ نیز این کشور با جذب بیش از ۲۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی، در منطقه خاورمیانه رتبه نخست را کسب کرده است. همچنین ایران در سال ۲۰۲۲ حدود ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای دیگر داشته و این رقم برای سال پیش از آن ۸۲ میلیون دلار بوده است. در این حوزه نیز امارات متحده عربی رتبه بالاتری از کشورهای ایران، عربستان و ترکیه داشته است. اتاق ایران در این گزارش تعدد و بی ثباتی قوانین، افزایش تورم داخلی نسبت به تورم خارجی، بروکراسی اداری پیچیده، نبود تضمین حقوق مالکیت و غیره را از جمله موانع سرمایه گذاری داخلی و نبود قانون جامع در حوزه سرمایه گذاری خارجی، فقدان نظام بانکی با معیارهای بین المللی، نبود زیر ساخت برای پوشش ریسک نرخ ارز و موارد دیگر را از جمله موانع سرمایه گذاری خارجی در کشور عنوان کرده است.

اسکناس آمریکایی در ۶ ماهه دوم سال به کدام سومی رود؟

دلار پس از توافق



جهت خبردرمانی استفاده شده است. اما اکنون مشاهده می شود که در سکانس نهایی این پروژه نیز نرخ ارز مجدداً نسبت به آن واکنش نشان می دهد. چرا که پس از انتشار اخبار مذکور قیمت هر برگ اسکناس دلار آزاد در بازار تهران حدود ۲۲۰ تومان افت کرد و به رقم ۴۹ هزار و ۴۰۰ تومان رسید.

سیگنال های مثبت و منفی به بازار ارز

قیمت دلار در روزهای پایانی شهریورماه کاهش ۲۰۰ تا ۲۵۰ تومانی را

آخرین هفته شهریورماه در حالی برای بازارهای مالی آغاز شد که قیمت دلار بانوسان کاهشی کانال ۵۰ هزار تومانی را از دست داد. به عقیده تحلیلگران ارزی بازار تهران خبر صدور مجوز نهایی انتقال دلارهای مسدودی از مقصد کره جنوبی به قطر می تواند آغازی بر پایان یک پروژه فرسایشی باشد. در سال های اخیر اخبار آزادسازی منابع ارزی از جمله سیگنال های مشهور بازار ارز بوده است. اخباری که نرخ ارز تاکنون واکنش های متعددی به آن نشان داده و حتی در برخی بازه های زمانی فعالان بازار معتقد بودند که از این سیگنال ها

تجربه کرد و کریدور ۵۰ هزار تومانی چهارشنبه ۲۲ شهریور را از دست داد. به طوریکه دلار در محدوده زمانی ۲۶ شهریور ماه با قیمت ۴۹ هزار و ۷۵۰ تا ۸۰۰ تومان در بازار معامله شد. بررسی بازار ارز با توجه به سیگنال‌های مثبت و منفی که در روزهای گذشته روانه بازار شده، حاکی از جو فروشنده بازار است. این در حالی است که جو فروش از سوی خریداران خرد و افرادی که در ماه‌های گذشته حتی دلار را در سقف‌های قیمتی خریده‌اند، ایجاد شده است. بازیگران بزرگ بازار ارز و حرفه‌ای‌ها، اما تمایلی به خروج از گارد تعادلی ندارند. به اعتقاد یکی از معامله‌گران بازار ارز دست سیاست‌گذار برای خرده‌فروش‌های بازار هم رو شده چه رسد برای کسانی که در این بازار بزرگ شده‌اند. در این میان برخی رسانه‌های وابسته به دولت برای مدیریت بازار ارز و مهار قیمت دلار به کمک سیاست‌گذار آمده‌اند و روی اخبار مربوط به دسترسی کامل بانک مرکزی به ۶ میلیارد دلار انتقالی به قطر مانور می‌دهند. به اعتقاد آنها دست بازار ساز باز است و قرار است بخشی از منابع ارزی داخلی بانک مرکزی برای مدیریت بازار استفاده شود. این در حالی است که به اعتقاد کارشناسان اقتصادی این رقم، در آمد دو ماه از فروش نفت در کشور نیز نیست. آنها می‌گویند وقتی قرار نیست منابع مالی به شکل اسکناس در اختیار بانک مرکزی قرار بگیرد، دیگر خبر مذکور برای بازار ارز موضوعیتی ندارد. باید توجه داشت دسترسی دولت ایران به منابع مذکور فقط برای خرید کالاهای اساسی و دارو است. البته در میانه شهریور ماه نیز بخشی از منابع مالی ایران در عراق نیز به زوار اربعین اختصاص یافت و سیاست‌گذار از این خبر برای مانور در جایگزینی ارز منطقه‌ای به جای دلار و یورو بهره برد. برخی فعالان بازار ارز سیگنال فوق را عامل افت ۲۰۰ تومانی قیمت دلار می‌دانند. اما با وجود دامنه محدود نوسان قیمت دلار به نظر نمی‌رسد این سیگنال موجب ترس معامله‌گران این بازار شده باشد. کما اینکه در روزهای اخیر موضوع بیانیه تروئیکایی اروپایی درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران در نشست فصلی شورای حکام نیز نتوانست به قیمت دلار تحرک خاصی بدهد.

واکنش بازار چه بود؟

به اعتقاد تحلیلگران بازار ارز، دلار در محدوده قیمتی فعلی در رفتاری خنثی قرار دارد و بدون روند است. آنها کف ۴۸ و سقف ۵۲ هزار تومانی را محدوده تعادلی این اسکناس می‌دانند و ضمن بررسی اخبار و چارت



می‌گویند، وقتی دلار در حالت خنثی و با نوسانات محدود در حرکت است اخباری که در خصوص توافقات و برجام به بازار مخابره می‌شود اخباری در سایه و در فضایی با دید مبهم است. اما وقتی قیمت دلار در سقف قرار دارد، اخبار سیاسی مثبت به بازار مخابره می‌شود و این موضوع فروشنده‌های بیشتری را روانه بازار می‌کند. بررسی رفتار بازار دلار حاکی از این است که به دلیل نوسانات محدود قیمتی، فعالان بزرگ بازار ارز از خرید و فروش دوری می‌کنند و رغبتی به معامله ندارند. زیرا هزینه معاملاتشان نسبت به نوسانی که قیمت‌ها دارد ارزنده نیست و عملیات جذابیتی ندارد. با توجه به پیش‌بینی کارشناسان اقتصادی مبنی بر روند صعودی آهسته و پیوسته قیمت دلار در ۶ ماهه دوم سال جاری به نظر می‌رسد، برای هفته پایانی شهریور نیز نباید در انتظار افت و خیز چندانی در قیمت اسکناس آمریکایی باشیم و محدوده فعلی محتمل‌ترین گزینه برای نوسانات ضعیف این اسکناس است. با این حال، به عقیده بسیاری از تحلیلگران سیاسی - اقتصادی تکمیل توافق میان ایران و آمریکا می‌تواند تاثیر قابل توجهی بر انتظارات تورمی فعالان بازار داشته باشد. در نتیجه پیش‌بینی می‌شود پس از انتشار خبر قطعی انتقال زندانیان، نرخ ارز یک افت قیمت جدید را تجربه کند.



پیش‌بینی بورس در نیمه دوم

روند اصلاح قیمتی و رکود معاملاتی در بازار سرمایه، از نیمه دوم اردیبهشت ماه امسال آغاز شده و همچنان ادامه دارد. با وجود گذشت ۴ ماه از این شرایط، به اعتقاد فعالان بازار، همچنان بازار سهام در جدال با بحران رکود معاملاتی قرار دارد و ارزش معاملات خرد روزانه در کم‌ترین میزان امسال خود



فردین آقابزرگی
کارشناس بازار
سرمایه

قرار دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد از نیمه اردیبهشت امسال که شاخص کل بورس، قله ۲ میلیون و ۵۳۵ هزار واحد را فتح و رکوردی جدیدی را ثبت کرده بود، بدون در نظر گرفتن سقوط به زیر کانال ۲ میلیون واحد در تیرماه و حتی مردادماه، تاکنون ۴۰۹ هزار واحد سقوط کرده است. اما پرسشی که مطرح می‌شود این است که شرایط کنونی بورس تا کجا ادامه دارد و چه چشم‌اندازی در نیمه دوم سال در انتظار بازار سرمایه است؟

در پاسخ به این پرسش می‌توان عنوان کرد که متغیرهای اصلی اثرگذار بر وضعیت اقتصادی و بازار سرمایه، تعیین‌کننده روند مثبت و رو به رشد بازار هستند. همان‌طور که در شرایط تورمی انتظار داریم که نرخ ارز از ابتدا تا انتهای سال گران شود، ولی بعضاً می‌بینیم نرخ ارز فریز یا کنترل و مدیریت می‌شود، این شرایط متاسفانه گریبان بورس را هم گرفته است. به خصوص بعد از اردیبهشت‌ماه که حدود ۳۰ درصد شاخص کل بورس و ۴۹ درصد شاخص هم‌وزن رشد کرد، مسوولاً سعی می‌کردند به نوعی نشان دهند که آثار تورم در اقتصاد کشور و نمونه بارز آن بورس، نشان نمی‌دهد که چنین

تورمی داریم، اما جدای از عدم افزایش محسوس سود شرکت‌های بورسی که در حال حاضر بورس و فرابورس، روزی هزار میلیارد تومان سود دارند، انتظار نداریم این سود در کوتاه‌مدت افزایش پیدا کند. با این حال، به دلیل سرایت تورم در اقتصاد کشور و در نتیجه درآمد حاصل از فروش شرکت‌ها، اغلب شرکت‌ها از ۱۰ سال پیش تاکنون گردش مالی سالانه‌شان حداقل ۱۰ تا ۱۵ برابر شده است. این در حقیقت ناشی از تسری تورم بوده است. بر این اساس، در مجموع سطح ارزندگی بازار سرمایه و بورس، به خصوص در مقایسه با مسکن، خودرو، ارز و طلا مدیریت می‌شود. همان‌طور که از ابتدای سال پیش‌بینی کرده بودم، اعتقاد دارم که ارزندگی بازار سرمایه تا پایان سال تا آستانه ۳ تا ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار واحد جای رشد دارد. به طور قطع بازار سرمایه جای رشد دارد و بخشی از برگشت بازار را در روزهای اخیر شاهد بودیم و انتظار رشد پیاپی شاید به صورت روزانه و کوتاه‌مدت اتفاق نیفتد، اما برآیند بازار تا انتهای سال، بازه مناسب نسبت به سایر بازارها به طور قطع محتمل است.

اسکناس آمریکایی در ۶ ماهه دوم سال به کدام سو می رود؟

وقت خرید طلا فرا رسیده است؟



عبادالله محمدولی
کارشناس بازار طلا

رصد بازار طلا نشان می دهد، طی چندماه گذشته شاهد تثبیت قیمت و رکود در بازار طلا و جواهر هستیم. بازار طلا با وجود رکود تقاضا در روند کاهشی قیمت قرار گرفت. اما سیگنال های مساعد سیاسی به بازار تزریق و مانع رشد قیمت در بازار فلز زرد شد. با این حال، انتظار بر این است که با پایان ماه صفر و آغاز مناسبت ها و مراسم ها احتمالاً روند قیمت سکه و طلا به سمت افزایش برود و مشتریان به بازار ورود کنند. خرید طلا در همه اقشار وجود دارد، چرا که مردم حتی کمترین پولی که داشته باشند هم آن را به سکه و طلا تبدیل می کنند. همه اقشار جامعه بر اساس بودجه ای که دارند طلا می خرند. کسانی هستند که صد سکه می خرند و افرادی که یک رب سکه یا سکه گرمی را می خرند تا بتوانند همان مقدار پولی که دارند را تبدیل و حفظ کنند. اما تقاضایی که در حال حاضر در بازار هست، بیشتر تقاضای سرمایه گذاری است تا مصرفی! چون به دلیل شرایط اقتصادی، قدرت خرید مردم هم کم شده است به طوری که خرید سرویس نقره و حتی بدلیجات از سوی برخی عروس و دامادها نسبت به سنوات گذشته بیشتر شده است. از طرف دیگر، یک

مقدار کاهش قیمت ها اتفاق افتاد و مردم نگران هستند که این کاهش قیمت بیشتر شود. با توجه به رکودی که در این بازار بوده، در ۶ ماه دوم سال خصوصاً در ابتدای سال نو میلادی، پیش بینی می شود که قیمت ها نسبت به چیزی که اکنون شاهد آن هستیم، حتماً تغییر خواهد کرد و افزایشی خواهد بود. البته نمی توانیم بگوییم این تغییر قیمت کم است یا نه؛ چرا که متاسفانه قیمت ها بر اساس یک شاخص خاص اقتصادی بالا و پایین نمی شود و بیشتر خبری است و بدنه اقتصاد ما بر اساس دلالی و واسطه گری و بازرگانی است و این موارد به نگاه تولیدی و صنعتی ارجح تر است و از همین رو هر خبری می تواند در بازار سکه و طلا تاثیر بگذارد. با این حال، برای اینکه ارزش پولی که در اختیار مردم است، حفظ شود، خرید طلا را به آنها پیشنهاد می کنم. طلا هم سرمایه امنی است و هم از جنبه زیورآلاتی می تواند مورد استفاده قرار بگیرد. در شش ماه دوم سال هم قیمت ارز بالا می رود، اما دباره خریدن یا نخریدن آن پیشنهادی نمی دهم، زیرا در این حوزه تخصصی ندارم. با توجه به حضوری بیش از ۵۰ سال در بازار طلا، آن را محلی امن برای سرمایه گذاری می دانم اما یادتان باشد هیچ وقت برای کوتاه مدت وارد هیچ بازاری نشوید، حتی طلا، چرا که کلاه عجیبی بر سرتان می رود.



چشم انداز بازار سرمایه در نیمه دوم سال؛

سرنخ ریزش بورس

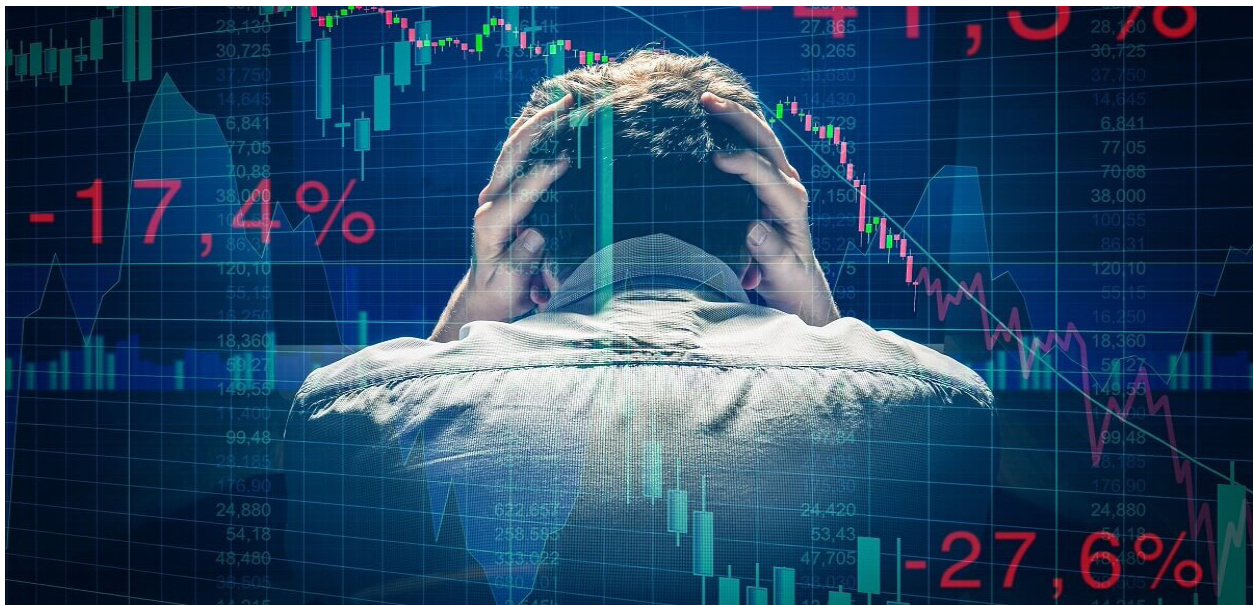
بورس تهران، در حالی وارد نیمه دوم سال می شود که پس از یک دوره کوتاه صعودی، بافت سنگینی هم مواجه شد و بخشی از ارزش خود را از دست داد. در حال حاضر و پس از ۶ ماه از سال ۱۴۰۲، نسبت ارزش بازار به تولید ناخالص داخلی (که از آن به نسبت «وارن بافت» یاد می شود) به محدوده آذر سال گذشته برگشته است. متوسط شاخص بورس در آبان سال گذشته ۱۰۳۴ میلیون واحد بوده؛ اما حالا شاخص بالاتر از ۲ میلیون واحد ایستاده است. البته از ابتدای سال، بازارهای موازی مانند دلار، هم چندان بازدهی مثبتی نداشت و این بازار هم وارد دوره رکود شده بود. اما در این مقطع، اصلاحی که مورد انتظار بود صورت نگرفت و با تغییر عجیب نرخ خوراک پتروشیمی هادر اردیبهشت این اصلاح تبدیل به ریزشی سنگین شد و شاخص کل ۳۰ درصد ارزش خود را از دست داد که تا پایان مرداد ماه هم این روند ادامه داشت به این معنی که ارزش شرکت ها تا ۳۰ درصد افت کردند که البته تلاش دولت برای سرکوب نرخ در این ماه ها هم در این ریزش هایی تاثیر نبود. در این میان برخی کارشناسان بورسی بر این باورند که برخی تصمیمات غیر کارشناسی مانند «قیمت گذاری دستوری نرخ گاز صنایع، تغییر نرخ عوارض صادراتی محصولات خام و نیمه خام معدنی از نیم درصد به ۲ درصد» و «تغییر پی در پی قوانین مربوط به عرضه خودرو در بورس کالا و حتی صحبت هایی برای حذف و تعطیلی بورس کالا»، همگی باعث موجی از بی اعتمادی در بین سرمایه گذاران شده است، بی اعتمادی که حتی پس از تجدیدنظر در برخی از این تصمیمات اتخاذ شده همچنان در بین سرمایه گذاران وجود دارد و باعث تردید در تصمیم گیری برای سرمایه گذاری در بازار بورس شده است.

چرا شاخص های بورس ریزشی شد؟

اما چنانچه بخواهیم این موضوع را به درستی قضاوت کنیم باید به زمستان ۱۴۰۱ برگردیم که چرا شاخص های بورس ریزشی شد؟ در آن زمان ریزش شاخص ها به دلیل ناآرامی ها رخ داد که از آخر شهر یور ماه در جامعه شکل گرفته بود و شاهد آن بودیم که در مهر ماه و آبان ۱۴۰۱ ریزش های بورس سنگین تر هم شد؛ اما پس از دو ماه و از آذر ماه سال گذشته مجدداً فرآیند خرید و فروش هادر بورس به تثبیت رسید.

اما رشد اصلی شاخص ها در مرداد ماه ۱۳۹۹ به وقوع پیوست و شاخص کل قله ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار واحدی را هم فتح کرد، البته از زمستان ۱۴۰۱ تا اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ شاخص های بورس باز هم رشد کردند که عوامل زیادی هم باعث این رشد بود از جهش قیمت ارز تا اخبار مربوط به آزادسازی بخشی از منابع ارزی و اجازه فروش ارز از طریق بخشی از شرکت ها همگی باعث شد تا بازار سرمایه مجدداً مورد استقبال بخشی از جامعه قرار گیرد، البته این استقبال

دیگر شبیه استقبال سال ۱۳۹۹ سرمایه گذاران نبود اما باز هم انتظار می رفت تا این اعتماد برای سهامداری شکل بگیرد اما وضعیت به گونه ای شد که در فروردین ماه ۱۴۰۲ هم مجدداً شاخص ها قله ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار واحدی را فتح کردند و رکورد سال ۱۳۹۹ باز هم شکسته شد و شاخص کل تا ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار واحد هم بالا رفت که بخشی از آن به دلیل جا ماندن از تورم و بخش دیگر به دلیل جهش های ارزی بود که در فاصله سه ماهه قیمت دلار را از ۳۰ هزار تومان به ۶۰ هزار تومان رساند و در کنار آن عوامل روند سوددهی شرکت ها و صادرات شان هم بهتر از گذشته شده بود و ابهامات مربوط به سیاست گذاری های دولت هم در حال رفع شدن بودند و جهت گیری دولت هم مشخص تر از قبل شد و به نوعی بازار سرمایه هم آماده جذب بخشی از سرمایه ها شده بود و دیدیم که روزانه بین ۵ تا ۶ هزار همت جذب نقدینگی در بازار صورت گرفت اما باز هم یک باره از اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ شاهد ریزش های سنگین در بورس شدیم که در ابتدا علت این ریزش سنگین مشخص نبود، چرا که این اتفاق در حالی رخ داد



وجود آمدن ابهاماتی از روند سوددهی این شرکت‌ها می‌شود. موضوع بعدی اینکه چشم‌انداز نرخ دلار بسیار مهم است، چراکه چشم‌انداز بخش بزرگی از روند سوددهی شرکت‌های بزرگ در بازار سرمایه با تثبیت یا نوسانات نرخ ارز روشن یا تیره ارزیابی می‌شود که اگر صادرات این دسته از شرکت‌ها محدودتر شود سهامداران نیز تصمیم خود را برای سرمایه‌گذاری تغییر می‌دهند. همچنین به نظر می‌رسد سیاست‌های پولی و مالی دولت در خصوص کنترل نقدینگی یا تثبیت نرخ ارز و ایجاد یک شرایط رکودی در بازارها نیز یکی دیگر از عوامل خروج از بازار سرمایه در این مدت باشد.

البته تحلیلگران بازار سرمایه با افق دید چندین ماهه در آینده بر این باورند که این بازار در شرایط فعلی فرصت خوبی برای سرمایه‌گذاری است، چراکه بخش بزرگی از سیاست‌های دولت در مورد شرکت‌ها و شرایط اقتصادی تقریباً مشخص شده و سیاست‌های دولت در خصوص بانک‌های زیان‌ده یا شرکت‌های دیگر هم شفاف‌تر از گذشته شده است. البته بنده معتقدم در بازار سرمایه فرار سرمایه‌ای رخ نمی‌دهد، چراکه هر سهمی که به فروش برسد یک خریداری برای آن سهم وجود دارد و شاید این بازار با نوساناتی همراه شود اما امروز این بازار در یک شرایط معقولی قرار گرفته است و در صورتی که سیاست‌های دولت تغییر چندانی نداشته باشد و تصمیمات خلق الساعه برای این بازار گرفته نشود، افرادی که خواستار سرمایه‌گذاری در این بخش هستند، می‌توانند به سوددهی لازم دست پیدا کنند و پیش‌بینی می‌شود بازدهی این بازار در ماه‌های آتی بالاتر از بازارهای دیگر باشد.

که همه انتظار رشد ۳ میلیون واحدی شاخص‌های بورس را داشتند اما پس از آن با انتشار خبر افزایش قیمت نرخ خوراک پتروشیمی‌ها در تیر ماه شاخص کل شروع به ریزش کرد این در حالی است که افرادی که قبل از آن اطلاعات نهانی از این موضوع داشتند باعث این ریزش‌ها در بورس شده بودند و این جو بی‌اعتمادی را در بورس به وجود آوردند و پس از آن دیدیم که شاخص کل بین اردیبهشت تا تیر ماه ۱۴۰۲ با افت ۳۰ درصدی همراه شد که تا مرداد ماه هم ادامه پیدا کرد اما مجدداً در شهر یور ماه شاخص‌ها روند صعودی به خود گرفتند. اما اگر بخواهیم ریشه‌های بی‌اعتمادی در بازار سرمایه را بررسی کنیم باید گفت خروج نقدینگی از بورس و ریزش شاخص‌ها معمولاً به چند دسته تقسیم می‌شود؛ اول اینکه به نظر می‌رسد بازار سرمایه نیز مانند سایر بازارهای دیگر پیش‌نگر است و آینده را پیش‌بینی می‌کند و برآیند آن شبیه بازار مسکن و طلا و خودرو خواهد بود که در مقطعی با ریزش یا با تثبیت همراه است و در تمامی بازارها هم در طول ۵ ماه گذشته با دماسنج دلار (که بین ۴۸ تا ۵۰ هزار تومان در نوسان بوده) جهت‌دهی شده است که البته بورس هم امروز همسو با نرخ دلار به یک شرایط تقریباً باثباتی رسیده است. یکی دیگر از دلایل ریزش شاخص‌ها درز خبر نرخ خوراک پتروشیمی‌ها و خبر مربوط به افزایش عوارض صادراتی و مالیات برخی از شرکت‌های تولیدکننده مواد خام است که روند آتی شرکت‌ها را با ابهام روبه‌رو کرده است، البته بخش بزرگی از بورس ما شامل شرکت‌های معدنی و پتروشیمی‌ها و کامودیتی‌هایی است که صادرات محور هم هستند و افزایش قیمت خوراک پتروشیمی‌ها یا تعیین هر گونه عوارض صادراتی باعث به

شامخ مردادماه نشان می‌دهد، خودروسازان نگاه مثبتی به وضعیت تولید ندارند

سقوط تابستانه تولید خودرو

جدیدترین گزارش بازوی پژوهشی اتاق بازرگانی ایران از وضعیت شاخص مدیران خرید وسایل نقلیه و قطعات وابسته نشان از نزول تمامی شاخص‌ها دارد. از بین ۱۳ شاخصی که در شامخ ماه میانی تابستان مورد بررسی قرار گرفته، چهار فاکتور با افزایش و هشت فاکتور با کاهش مواجه شده‌اند و همچنین یک فاکتور بدون تغییر باقی مانده است. فاکتورهای افزایشی شامل موجودی مواد اولیه، میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی، موجودی محصول در انبار و انتظارات تولید آینده است. گرچه از ابتدای امسال، شامخ روند کاملاً صعودی را نشان می‌داد اما در خرداد و تیر بیشتر فاکتورهای مورد بررسی در شامخ با سقوط همراه شد و حالا شامخ مردادماه نشان می‌دهد که خودروسازان نگاه مثبتی به وضعیت تولید ندارند.



چرا شاخص خودرو نزولی شد؟

شامخ کل گروه نیز که نمایی کلی از وضعیت صنعت خودرو نشان می‌دهد، در مردادماه نسبت به تیر ۴/۸۸ واحد کاهش یافته و به ۴۵/۷۷ واحد رسید. کاهش رخ داده، شامخ خودرو را به کف یک سال گذشته رساند. به جز فروردین‌ماه که تحت تاثیر تعطیلات نوروزی است هیچ ماه دیگری در یک سال گذشته نبوده که شامخ کل گروه وسایل نقلیه و صنایع وابسته در آن به این میزان کاهش پیدا کند. نکته جالب اینکه حتی شامخ تیرماه که ۵۰/۶۵ واحد ثبت شده بود و ۴/۸۸ واحد بیشتر از شامخ مرداد است، یک بار به کف یک‌ساله رسیده بود و حالا شامخ ماه پنجم سال رکورد کاهشی تیر را هم شکست. یکی از علل این موضوع کمبود نقدینگی قابل توجه در خودروسازی‌هاست. در واقع پس از آنکه در اردیبهشت‌ماه قیمت‌های جدید محصولات خودروسازان توسط شورای رقابت اعلام شد، فعالان این صنعت به هیچ عنوان از رشد محقق شده راضی نبودند و می‌گفتند با قیمت‌های جدید بعد از ۱۸ ماه فریز قیمتی همچنان خودروسازی‌ها زیان‌ده خواهند بود. بعد از گذشت دو ماه اما وضعیت تولید خودرو نشان می‌دهد که مشکل نقدینگی و سرمایه در گردش در صنعت خودرو جدی است. با این وجود تنها کمبود ریال نیست که خودروسازان را آزار می‌دهد؛ از طرف دیگر فعالان این صنعت با کمبود شدید ارز هم مواجه هستند که هزینه‌های مالی آنها را افزایش می‌دهد.

دلیل دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد بدهی قابل توجه خودروسازان به تولیدکنندگان قطعه است. طبق آخرین آمار که تیرماه منتشر شده، خودروسازان در مجموع ۶۰ هزار میلیارد تومان به قطعه‌سازان بدهکار هستند. چنین بدهی‌ای شاید باعث شده که تامین قطعه به موقع انجام نشود؛ یعنی حتی قطعه‌سازان به دلیل کمبود نقدینگی حاصل از

عدم دریافت طلب خود در تامین قطعه خودرو دچار مشکل شده باشند. علاوه بر دلایل مالی، موضوع دیگری نیز می‌تواند روی بدتر شدن وضعیت صنعت خودرو در پنجمین ماه از سال موثر باشد. شامخ مرداد نشان از افت قابل توجه مصرف حامل‌های انرژی در صنعت خودرو و قطعه در این ماه دارد. با توجه به اوج گرما در این ماه، احتمالاً قطعی گسترده برق در این صنعت وجود داشته که تولید را تحت تاثیر قرار داده است. با این وجود از منظر دیگری نیز می‌توان به افت شامخ کل گروه خودرو و به خصوص کاهش قابل توجه فاکتورهای مربوط به تولید و فروش نگاه کرد. بعد از روی کار آمدن عباس علی‌آبادی به عنوان وزیر صمت، اخباری به گوش می‌رسید که وزیر جدید در حال پیشبرد برخی مذاکرات با مجلس و هیات دولت در مورد «واقعی‌سازی» قیمت خودرو است. گرچه گفته می‌شود خبری از آزادسازی قیمت نیست، اما هنوز هم به نظر می‌رسد که تلاش‌های علی‌آبادی برای آنچه واقعی‌سازی قیمت خودرو نامیده می‌شود ادامه دارد. همچنین اخبار دیگری در مورد قیمت خودرو از شورای رقابت به گوش می‌رسد. گویا سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان صورت‌های مالی سال ۱۴۰۱ خودروسازان را بررسی کرده و تایید کرده است که هزینه‌های آنها ۳۸ درصد افزایش یافته است. دبیر انجمن خودروسازان نیز پیش از این به «دنیای اقتصاد» خبر داد که رشد قیمت خودرو در شورای رقابت در حال بررسی است. بنابراین ممکن است خودروسازان سعی کنند تا زمان تعیین تکلیف قیمت‌های جدید محصولات خود، تولید و فروش را کاهش دهند.

همین موضوع می‌تواند از علل رشد شاخص «انتظارات تولید آینده» باشد. همان‌طور که اشاره شد این شاخص به عنوان یکی از مهم‌ترین فاکتورهای شامخ برخلاف جریان کلی افت و خیز آمارها،

افزایشی بوده و از ۲۶/۵۹ واحد به ۱/۵۴ واحد رسیده تا رشد ۲۸/۲ واحدی را ثبت کند. این در حالی است که از ابتدای سال جاری این فاکتور به طور مداوم در حال کاهش بود. حال چه اتفاقی رخ داده که خودروسازان نسبت به تولید آینده خود امیدوار شده‌اند؟ به نظر می‌رسد این موضوع نمی‌تواند دلیل دیگری جز احتمال رشد قیمت یا حتی کمی بلندپروازانه واقعی‌سازی قیمت باشد.

فراز و فرود شامخ

همان‌طور که اشاره شد بیشتر فاکتورهای مورد بررسی در شامخ

مردامه با کاهش همراه بوده‌اند. «مقدار تولید محصولات» یکی از این فاکتورهاست که به کمترین میزان خود در یک سال گذشته رسیده است. این فاکتور که در تیرماه رقم ۷/۵۳ واحد را ثبت کرده بود، در مرداد به ۳۸/۴۶ واحد رسید تا افت ۱۵/۲۴ واحدی داشته باشد. وضعیت تولید خودرو و قطعات در ماه میانی تابستان مرز ۵۰ را هم رد کرده که نشان از بدتر شدن وضعیت دارد. رقم ۵۰ مرز مهمی در بررسی شامخ است. درواقع رقم زیر مرز ۵۰ در شامخ نشان از وضعیتی نامطلوب دارد. بر این اساس عدد محاسبه‌شده چنانچه زیر ۵۰ باشد، اما از عدد محاسبه‌شده ماه قبل بیشتر باشد، نشان می‌دهد سرعت



بدرشدن وضعیت کاهش یافته است.

در مقابل، عدد محاسبه شده چنانچه بالای ۵۰ باشد، اما از عدد ماه قبل کمتر باشد، نشان می دهد سرعت بهبود وضعیت در مقایسه با ماه قبل کاهش یافته است. بنابراین «مقدار تولید محصولات» در پنجمین ماه از سال روند رو به بدرشدن را پیش گرفته است. از طرف دیگر «میزان فروش محصولات» نیز روند مشابهی را طی کرده و با فاکتور گرفتن از فروردین، کف یک ساله خود را تجربه کرده و حتی کمترین میزانی است که در شامخ مرداد ثبت شده است. این فاکتور از ۸۵/۵۱ واحد در تیر به ۶۲/۳۴ واحد رسیده تا ضمن عبور از مرز ۵۰ به میزان ۲۳/۱۷ واحد افت را تجربه کند. همان طور که اشاره شد افت تولید و فروش خودرو می تواند به علت احتمال افزایش قیمت خودرو باشد. اما با کاهش فروش «میزان سفارش های جدید» برای این صنعت نیز با کاهش همراه بوده و از ۵۰ به ۱۵/۴۶ واحد رسیده تا افت ۸۵/۳ واحدی را ثبت کند. جالب اینکه حتی این شاخص هم به کمترین میزان خود در سال گذشته رسیده است. با توجه به اینکه ثبت سفارش خودرو تنها از طریق سامانه یکپارچه انجام می شود و آخرین مرحله آن اردیبهشت ماه بود، احتمال می رود که افت رخ داده نسبت به تیر و خرداد در مورد سفارش خرید قطعه باشد. فاکتور مربوط به «موجودی مواد اولیه» نیز تاییدکننده همین ادعاست. گرچه این فاکتور یکی از معدود مواردی است که در شامخ مرداد با رشد همراه بوده و از ۸۹/۳۸ به ۲۳/۴۴ واحد رسیده است اما همچنان پایین مرز ۵۰ است.

یعنی همچنان موجودی مواد اولیه در انبار خودروسازان رو به کاهش است اما از سرعت خالی شدن انبار مواد اولیه کاسته شده است. این موضوع هماهنگ با فاکتور «قیمت خرید مواد اولیه» است که گرچه از ۵۲/۶۸ واحد به ۶۲/۵۹ واحد کاهش یافته اما همچنان بالای مرز ۵۰ است. این موضوع بدان معناست که قیمت مواد اولیه روبه رشد است اما آهنگ آن کندتر شده است. همزمان با این اتفاقات، شامخ مرداد نشان می دهد که «سرعت انجام و تحویل سفارش» نیز در این ماه با افت ۵۶/۵ واحدی همراه بوده و از ۵۶/۵۵ واحد به ۵۰/۵۰ واحد رسیده است.

موضوع دیگر اینکه با وجود وضعیت نامناسب صنعت خودرو و قطعات که شامخ مرداد نیز بر آن صحنه می گذارد، «میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی» رشد داشته و از ۵۰ واحد به ۹۲/۵۱ واحد رسیده است. این در حالی است که مازاد نیروی انسانی به عنوان یکی از معضلات این صنعت شناخته می شود. حال با وجود کاهش فروش و تولید باز هم خودروسازان نسبت به استخدام نیروی انسانی بیشتر اقدام کرده اند.

«موجودی محصول در انبار» نیز کاهش مشابهی را تجربه کرده و از ۵۰ به ۹۲/۵۱ واحد رسیده است. یعنی خودروسازان در مرداد به میزان کمتری تولید کرده اند اما از همین تولید نیز بخش بیشتری را دپو کرده اند که این موضوع سناریوی انتظار خودروسازان نسبت به افزایش قیمت را تقویت می کند. «میزان صادرات» شاخص دیگری است که در شامخ دومین ماه از تابستان امسال با کاهش همراه بوده و از مرز ۵۰ به ۳۱/۴۲ واحد رسیده است. بنابراین صادرات خودرو یا قطعات در این ماه با افت همراه بوده اما اطلاعاتی در دست نیست که کاهش رخ داده از چه محلی است. همچنین «قیمت محصولات» تولیدشده تنها فاکتوری است که در شامخ مرداد بدون تغییر روی مرز ۵۰ باقی مانده است که این موضوع نشان می دهد علاوه بر عدم قیمت گذاری جدید برای خودرو، قیمت قطعات نیز در دو ماه گذشته تغییری نداشته است.

میزان «مصرف حامل های انرژی» آخرین شاخصی است که در شامخ مرداد ماه خودروسازها مورد بررسی قرار می دهیم که اتفاقا بیشترین افت در بین فاکتورهای مورد بررسی را نیز به خود اختصاص داده است. «مصرف حامل های انرژی» با ثبت کاهش ۵۹/۱۸ واحدی از ۶۷/۶۶ واحد به ۰۸/۴۸ واحد، یعنی کمترین میزان خود در یک سال گذشته، رسیده است. با توجه به اوج گرما در مرداد این موضوع عجیب به نظر می رسد و تنها معنایی که می تواند داشته باشد این است که برق کارخانجات این صنعت در این ماه به طور مکرر قطع شده که همین موضوع هم می تواند از دلایل افت تولید خودروسازان باشد.

جزئیات سبد صادراتی و شرکای تجاری ایران تحلیل شد

کارنامه تجارت خارجی با کسری



رقم تجارت تا پایان تیر

بر اساس آمار گمرک در چهارماه نخست سال ۱۴۰۲ ارزش کل صادرات ایران به ۱۵ میلیارد و ۹۰۶ میلیون دلار رسیده و واردات کالا به کشور ۱۹ میلیارد و ۵۳۹ میلیون دلار ارزش داشته است. بر اساس این گزارش در این مدت ۱۱ میلیون و ۸۴۲ هزار تن کالا به ارزش ۱۹ میلیارد و ۵۳۹ میلیون دلار وارد کشور شده است که به لحاظ وزنی ۱۸/۶ درصد

اگر کارنامه تجارت خارجی را در ماه پنجم ورق بزنیم، می بینیم که تراز تجاری کشور نیز به مانند ۴ ماهه کسری دارد. این رقم برای مدت چهارماهه منفی ۳ میلیارد و ۶۳۳ دلار گزارش شده، اما با گذر از میانه تابستان، کسری تراز تجاری به ۴،۹ میلیارد دلاری رسیده است. البته گمرک اعلام کرده، که عمده دلیل کاهش ارزش صادرات، کاهش قیمت جهانی عموم کالاهای صادراتی پتروشیمی بوده است.

وا از حیث ارزش ۸۲/۱۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد. متوسط ارزش گمرکی هر تن کالای صادراتی در چهار ماه نخست سال جاری ۳۴۸ دلار و متوسط ارزش گمرکی هر تن کالای وارداتی ۱۶۵۰ دلار بوده است. آمار گمرک نشان دهنده آن است که تجارت غیرنفتی کشور در ۴ ماه نخست سال ۱۴۰۱ به ۴۶ میلیون و ۸۱۵ هزار تن به ارزش ۳۴ میلیارد و ۴۸۰ میلیون دلار رسیده بوده است.

جزئیات تجارت در ماه پنجم

جدیدترین آمارهای گمرک نشان می‌دهد، حجم تجارت خارجی کشور در ۵ ماه منتهی به مرداد سال ۱۴۰۲ به ۴۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار رسید. داده‌های اعلام شده از سوی گمرک نشان می‌دهد، در بازه زمانی مورد بررسی صادرکنندگان موفق به صادرات ۵۵ میلیون و ۹۰۰ هزار تن کالا به ارزش ۱۹ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار شدند. اما با توجه به داده‌های اعلام شده می‌توان گفت حجم واردات کالا به کشور نیز در این مدت برابر با ۱۴ میلیون و ۴۰۰ هزار تن کالا به ارزش ۲۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بوده که از حیث وزن ۲۰۱۷ درصد و از نظر ارزش ۷۰۴۹ درصد رشد داشته است. این داده‌ها نشان از کسری ۴۹۹ میلیارد دلاری تراز تجاری در ۵ ماهه امسال دارد. بررسی کارشناسی گمرک نشان می‌دهد عمده دلیل کاهش ارزش صادرات، کاهش قیمت جهانی کالاهای صادراتی پتروشیمی است. بر اساس این گزارش متوسط ارزش گمرکی هر تن کالای صادراتی ۳۴۶ دلار و متوسط ارزش گمرکی هر تن کالای وارداتی ۱۶۷۷ دلار در ۵ ماهه سال جاری بود.

تغییرات در روند مقاصد صادراتی

تحلیل داده‌های اعلام شده نشان از آن دارد که «چین» مقصد اول کالاهای ایرانی محسوب می‌شود و حجم تجارت خارجی کشور در ۵ ماه منتهی به مرداد سال ۱۴۰۲ به ۴۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار رسید. داده‌های اعلام شده از سوی گمرک نشان می‌دهد در بازه زمانی مورد بررسی صادرکنندگان موفق به صادرات ۵۵ میلیون و ۹۰۰ هزار تن کالا به ارزش ۱۹ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار شدند، با توجه به داده‌های اعلام

شده می‌توان گفت این میزان صادرات کالاهای غیر نفتی که به استثنای نفت خام نفت کوره، نفت سفید تجارت چمدانی بوده از حیث ارزش ۸۰۵۵ درصد کاهش و به لحاظ وزن ۲۶۰۵۶ درصد افزایش نشان می‌دهد. براساس داده‌های اعلام شده از سوی گمرک این سوال مطرح می‌شود که در مدت زمان مورد بررسی کالاهای صادراتی ایران به چه کشورهای صادر شده است؟ ارزیابی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد در مدت زمان مورد بررسی «چین»، «عراق»، «امارات متحده عربی»، «ترکیه»، «هند»، «پاکستان»، «افغانستان»، «عمان»، «فدراسیون روسیه» و «اندونزی» بالاترین مشارکت در رشد صادرات کشور را داشته‌اند. مقایسه کالاهای صادراتی ایران در سال ۱۴۰۲ نسبت به ۱۴۰۱ از برخی تغییرات در میان کشورهای صادرکننده حکایت دارد. بطوریکه با حذف «تایلند» از فهرست مقاصد صادراتی ایران در سال گذشته شاهد پیوستن روسیه به ۱۰ مقصد اول صادراتی ایران بودیم و «افغانستان» و «پاکستان» هم رتبه خود را در میان مقاصد صادراتی تغییر دادند.

عمده مقاصد صادراتی

براساس داده‌های اعلام شده از سوی گمرک در بازه زمانی مورد بررسی بیشترین میزان صادرات کشور، به مقصد کشورهای «چین» با رقمی بالغ برابر با ۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار بوده است. «عراق» با ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، «امارات متحده عربی» با ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار، «ترکیه» با ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار و «هند» با ۸۴۵ میلیون دلار ۵ کشور عمده مقصد کالای صادراتی ایران بودند که ۷۵۰۱۳ درصد از وزن و ۷۴۰۷۷ درصد از کل ارزش صادرات کشورمان در ۵ ماهه سال جاری به این ۵ کشور بوده است. «عراق» دومین مقصد صادراتی ایرانی در بازه زمانی مورد بررسی محسوب می‌شود در این مدت ایران ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار کالا به این کشور صادر کرده است. اما در جایگاه سوم «امارات متحده عربی» با ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار واردات کالا از ایران قرار دارد. حجم صادرات ایران به «ترکیه» هم در این مدت برابر با ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بوده است. با توجه به داده‌های گمرک می‌توان گفت «هند» پنجمین مقصد

صادراتی ایران محسوب می شود که ۸۴۵ میلیون دلار در این مدت به این کشور صادر شده است. ۵ کشور عمده مقصد کالای صادراتی ایران بودند که ۷۵.۱۳ درصد از وزن و ۷۴.۷۷ درصد از کل ارزش صادرات کشورمان در ۵ ماهه سال جاری به این ۵ کشور را به خود اختصاص داده اند. اما در جایگاه ششم مقاصد صادراتی ایران «پاکستان» قرار دارد که سهم صادرات ایران به این کشور برابر با ۷۴۰ میلیون دلار بوده است. رقم صادرات به افغانستان هم برابر با ۶۵۰ میلیون دلار بوده و ارزش صادرات ایران به عمان هم ۵۰۰ میلیون دلار برآورد شده است. در جایگاه هفتم و هشتم مقاصد صادراتی ایران هم

روسیه و اندونزی قرار دارند که با توجه به داده های اعلام شده از سوی گمرک ارزش صادرات ایران به روسیه ۳۶۰ میلیون دلار بوده و رقم صادراتی اندونزی هم به ۳۳۰ میلیون دلار رسید. از سوی دیگر بر اساس این گزارش «امارات متحده عربی» با ۷ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار، «چین» با ۷ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار، «ترکیه» با ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، «آلمان» با ۸۷۹ میلیون دلار و «هند» با ۸۱۳ میلیون دلار ۵ کشور عمده طرف معامله واردات در ۵ ماهه سال جاری بودند؛ پنج کشور فوق ۶۲ درصد از وزن و ۷۶.۶۰ درصد از کل واردات کشور را در این مدت به خود اختصاص دادند.



عشق را به زندگی تبدیل کنیم



مجمع خیرین

بیمارستان فوق تخصصی کودکان مبتلا به سرطان

آیا می دانید تنها بیمارستان فوق تخصصی کودکان مبتلا به سرطان در شمال کشور

با همراهی و مشارکت شما عزیزان در حال احداث می باشد؟

شماره حساب:

۱۰۴۴۸۵۸۷۱۰۰۰ قابل پرداخت در کلیه شعب بانک صادرات

۱۰۶۹۵۳۲۶۹۰۰۸ قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی

۵۵۵۵/۹۱ (۵۵۴۷) قابل پرداخت در کلیه شعب بانک سپه

۴۳۰۱۳۶۳۰۸۷۱۸۳/۰۲ قابل پرداخت در کلیه شعب پست بانک

۶۰۳۷ - ۶۹۱۹ - ۹۰۰۰ - ۹۲۰۱ شماره سپهر کارت بانک صادرات

جهت عضویت در این عمل خیر خواهانه از تمامی اقشار مختلف جامعه دعوت به عمل می آید.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ذیل تماس حاصل فرمایید.

دفتر مرکزی: ساری، خ فرهنگ، ساختمان شهریار ۳، طبقه ۶، واحد ۶۰۹

پاسخگویی ۲۴ ساعته: ۰۱۵۱-۲۲۰۰۵۵۰

بیمارستان (در حال احداث): ساری، بلوار پاسداران، ضلع غربی بیمارستان بوعلی سینا

www.maahak.org

امانت داری ارزش است بانک دی بانک ارزش آفرین

با صندوق های اجاره ای بانک دی اشیاء و اسناد ارزشمند خود را حفظ کنید



بانک دی
DAY BANK
بانک دی، بانک ارزش آفرین

مرکز ارتباط با دی: ۰۲۱-۲۸۹۳۰

www.day24.ir

@daybank_24

